



# آریایرهای ادبی بیر سبک صالحی

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## به نام خدا

**1- مجاز:** کلمه ای است که در معنای غیر حقیقی خود بکار می رود و برای آن کلمه نشانه یا علامتی است که ثابت میکند آن کلمه در معنای غیر واقعی خود بکار رفته است.

### راه پیدا کردن مجاز:

1) اگر نام مکانی ذکر شود و منظور افراد آن مکان باشد مجاز است در غیر اینصورت مجازی وجود ندارد

### در مقایسه:

الف: ایران کشور پهناوری است (چون منظور کشور ایران است مجازی وجود ندارد)

ب: ایران افتخارات علمی بسیاری کسب کرده است (منظور مردم ایران و مجاز دارد)

مثال: سراسر همه دشت گریان شدند (دشت مجاز از مردم دشت)

### 2- اعضای انسان معمولاً در شعرها و نوشته ها مجاز دارد.

(البته استثنایی وجود دارد)-مخصوصاً کلمات:

سر - چشم - رخ - دل - دم (نفس) - دست - کف - سینه - زبان - گوش

مثال: سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی (مجاز از قصد)

سینه از نسیم محبت شکفته میشود.

3- اگر نام شاعر یا نویسنده ای ذکر شود و منظور آثار نویسنده یا شاعر باشد مجاز دارد در غیر اینصورت مجازی وجود ندارد

### در مقایسه:

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

الف: سعدی شاعر قرن هفتم است (مجاز ندارد)

ب: من هر شب سعدی می خوانم (مجاز شعر یا کتاب سعدی)

4- تناسب یا مراعات نظیرهایی که پشت سر هم ذکر شود مجاز دارد (که معمولاً بین کلمات واو یا ویرگولی وجود دارد)

مثال:

الف: از نفیرم مرد و زن نالیده اند. (مجاز از کل مخلوقات)

ب: لب و دندان همه توحید تو گویند. (مجاز از کل وجود)

تبصره ها و تذکرات مجاز:

1) اگر کلماتی که تناسب دارند بین آن کلمات فاصله ای ذکر شود مجاز وجود ندارد.

مثال:

ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد  
کلمات خط کشیده شده تناسب دارد اما مجازی وجود ندارد.

2) اعداد ریاضی معمولاً در شعرها و نوشته ها مجاز دارد. (البته با قید استثنا)

حذر کن زندان ده مرده گویی

3) اعضای انسان مجاز دارد ولی با این استثنا که:

دست (منظور قدرت و اختیار باشد)

شهرها را یکی پس از دیگری از دستتان برون کرده اند. (مجاز از قدرت)

زبان (منظور سخن باشد) - گوش (منظور وسیله ای برای شنیدن باشد یا انسان صاحب گوش باشد) - و چشم (منظور دیدگاه باشد)

مثال:

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

الف: چون سخن می گوید تو زبان نباش (حرف نزن)

ب: که لیلی گرچه در چشم تو حوری است (مجاز از دیدگاه)

ج: مر زبان را مشتری جز گوش نیست. (مجاز از انسان صاحب گوش)

د: دو کلمه مرد و زن اگر پشت سر هم ذکر شود قدرت تضاد خود را از دست می دهد.

از نفیرم مرد و زن نالیده اند. (تضاد ندارد)

4) اعضای حیوان هم میتواند مجاز باشد به شرط آن که در جای اصلی خود به کار نرفته باشد.

مثال: بکوبمت زین گونه امروز یال (مجاز از گردن)

## 2- تضاد (طباق - مطابقه)

به دو قسمت تقسیم میشود

### 1) تضاد ظاهری (لفظی)      2- تضاد باطنی (معنوی)

1- تضاد ظاهری: دو کلمه که ذاتا متضاد باشد بدون آنکه نیازی به جمله یا شعری داشته باشد.

مثل: زشت و زیبا/ خوب و بد

مثال: پدید آمد آوای دشمن ز دوست

مثال: عجب است اگر بگردد که نگرده آسیابی

تضاد ما بین زیباترین نوع تضاد می باشد.

یاد آوری : بعضی از کلمات هم تضاد می باشد هم تناسب

مثل: گل و خار / شب و روز

مثال: در پای این گل بود خارها (گل و خار تضاد دارد)

دمیدند گفتی شب آمد به روز

در تضاد ظاهری فعل با فعل تضاد دارد و اسم با اسم. عکس این مسئله صحیح نیست.

همه بیشی تو بکاهی همه کمی تو فزایی

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## 2) تضاد باطنی:

بعضی کلمات ظاهرا متضاد نیستند بلکه شاعر یا نویسنده به گونهای آنها را نقطه ی مقابل هم قرار می دهد که

تضاد پیدا کنند (به یکی از دو طرف وجه مثبت و به دیگری وجه منفی می دهد)

گویند روی سرخ تو سعدی زرد کرد

مثال: مگسی کجا تواند که بیفکند عقابی

**یادآوری:** تضاد در ساخت آرایه تناقض بسیار تاثیر گذار است و توضیح آن در آرایه تناقض بیان خواهد شد.

### **(3) آرایه تناسب (مراعات نظیر):**

کلماتی که در یک زیر گروه قرار می گیرند و از جهاتی با هم در ارتباط هستند (از جهت زمانی - مکان - شغلی - اعضای وجودی و ...)

**مثال:** گل و باغ و سبزه و چمن و درخت و باغبان و برگ و شاخه و تناسب یا مراعات نظیر می باشد

**مثال:** ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

(بین کلمات: ارغوان - سمن - نرگس - شقایق مراعات نظیر است)

**می بهشت ننوشم ز جام ساقی رضوان** مرا به **باده** چه حاجت که **مست** بوی تو باشم

(بین کلمات: می - ننوشم - جام - ساقی - باده - مست مراعات نظیر است)

**یا داوری 1:** فرقی بین تناسب و مراعات نظیر نیست اما اگر با حالت مو شکافانه توجه کنیم تناسب ارتباط بین دو کلمه است و مراعات نظیر ارتباط بیش از دو کلمه می باشد.

**مثال:** یکی بی زبان مرد **آهنگر** م ز شاه **آتش** آید همی بر سرم

(بین آهنگر - آتش - تناسب دارد)

مزرعه سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته ی خویش آمد و هنگام درو

(بین کلمات: مزرعه - داس - کشته - درو - مراعات نظیر است) (بین مه و فلک تناسب وجود دارد)

**یاد آوری 2:** بعضی از تناسب ها علمی است یعنی تا بر نکته ی علمی آن آگاه نباشیم نمی توانیم تناسب آن را درک کنیم به **عنوان مثال:** بین کلمات **آب و بادو خاک و آتش** مراعات نظیر است.

چون انسان از این چهار عنصر آفریده شده.

همچنین بین کلمات: اختر (ستاره) - طالع - نحس - سعد مراعات نظیر است.

زیرا با حرکات ستارگان طالع بینی می کردند تا ببینند طالع انسان سعد است یا نحس.

همچنین بین کلمات اسب - شاه - رخ - پیاده (سرباز) - وزیر - فیل - کیش - مات - مراعات نظیر است از دیدگاه مهره های شطرنج و حرکات آن

**مثال:** فرود آمد از **اسب** کاووس **شاه** پیاده سپهبد **پیاده** سپاه

(بین کلمات اسب - شاه - پیاده - مراعات نظیر است)

محبوسم طالع است منحوسم

غمخوارم و اختر است خونخوارم

(بین طالع - منحوس - اختر - مراعات نظیر است)

اب چه دانست که او گوهر گوینده شود؟

خاک چه دانست که غمزه ی غماز شود؟

(بین آب و خاک تناسب است)

#### 4) جناس:

به دو قسمت جناس

1- تام 2- نقص تقسیم میشود

1) جناس تام: آن است که دو کلمه عین هم باشد اما معنایش یکسان نباشد.

مثال: بهرام که گور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

1) گور خر 2) قبر

نفحات صبح دانی ز چه روی دوست دارم؟

که به روی دوست ماند که بر افکند نقابی

1) به چه علت 2) چهره

یاد آوری 1: ردیف و حروف نمی توانند جناس تام باشد زیرا معنایشان یکسان است.

از جدایی ها حکایت می کند

بشنو از نی چون حکایت می کند

#### ردیف

گروه آموزشی عصر

ولی حروف (چون - در - بر) می تواند جناس تام باشد زیرا این دو حرف گاهی اوقات حرف و زمانی اسم است.

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

مثال: بزد بر بر و سینه اشکیوس

1) بر: حرف 2) بر: جناس تام

یاد آوری 2: ضمائر متصل (م-ت-ش-مان-تان\_شان) و نشانه های جمع (ها -ان -ون-ین-ات)

حرف ی و ..... نمی تواند تاثیری در ساخت جناس داشته باشد.

مثال: پرده هایش پرده های ما درید.

1) پرده هایش (صدا و موسیقی) 2) پرده های (حجاب)

2) جناس ناقص: به سه دسته تقسیم می شود:

### جناس ناقص

#### 1. اختلافی 2. افزایشی 3. حرکتی

الف: جناس ناقص اختلافی: دو کلمه ای که جناس واقع می شود تنها در یک حرف اختلاف داشته باشد (چه در حرف اول-وسط-آخر)

جناس ناقص اختلافی:	اول	وسط	آخر
کتاب	باد	کار	
شتاب	بید	کام	

ب: جناس ناقص افزایشی: آن است که دو کلمه ای که جناس واقع می شود تنها در یک حرف افزایش داشته باشد.

جناس ناقص افزایشی: اول وسط آخر

بار	ناز	شفق
تبار	نیاز	شفقت

یاد آوری 1: جناس ناقص اختلافی و افزایشی باید در یک حرف اختلاف یا افزایش داشته باشد وگرنه جناس حساب نمی شود: مثل (لیلی و تسلی) که نمی تواند جناس باشد.

یاد آوری 2: جناس ناقص اختلافی و افزایشی معمولاً در قافیه ی ابیات دیده می شود.

مثال: هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

جناس ناقص اختلافی

یاد آوری 3: به مثال زیر توجه شود:

من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بد حالان و خوش حالان شدم

بین دو کلمه نالان و خوش حالان نمی تواند جناس ناقص باشد زیرا (ان) در کلمه ی خوش حالان نشانه جمع است اما در کلمه نالان نشانه جمع نیست.

**ج: جناس ناقص حرکتی:** آن است که دو کلمه ای که جناس واقع میشود عین هم باشد ام در مصوتها یکسان نیست.

مثل: مهر و مهر

**یاد آوری:** کلماتی مانند بنات و نبات یا کفایت و حکایت می تواند جناس ناقص اختلافی باشد زیرا اختلافشان در یک حرف است.

### 5) واج آرایبی (نغمه حروف):

آن است که حرف چندین بار (حداقل 3 بار) در یک جمله یا در یک بیت تکرار شود به طوری که بر آهنگ و زیبایی شعر بیافزاید.

مثال: سرشار ز شیرینی شهد خوش خویش است. (واج آرایبی در حرف ش)

خرید و خز آرید که هنگام خزان است      باد خنک از جانب خوارزم وزان است

(واج آرایبی در خ و ز)

• یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا یار تویی غار تویی خواجه نگه دار مرا (واج آرایبی در حرف ر)

• **یاد آوری 1:** واج آرایبی معمولا در حرف ص دار مثل خ-ش-ز- می باشد.

• **یاد آوری 2:** واج آرایبی در کسره (تتابع اضافات: آن است که چند کلمه به وسیله کسره به هم اضافه شوند (حداقل 3 کسره و پشت سر هم)

• خواب نوشین بامداد رحیل      باز دارد پیاده راز سیل (واج آرایبی در کسره)

• **یاد آوری 3:** واج آرایبی در ضمه هم می تواند ایجاد شود البته در چنین حالتی ما بین کلمات حرف و او دیده می شود.

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

**مثال:** ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند (واج آرایبی در ضمه)

6) **تشخیص** (شخصیت بخشیدن - تشخیص بخشیدن - جان بخشیدن - آدم گونگی - آدم نمایی - آدم انگاری)

فعل یا عملی که برای انسان باشد و کننده آن انسان نباشد.

راه پیدا کردن تشخیص:



1- بعد از ای یا قبل از الف ندا به جای اسم انسان اسم غیر انسان ذکر شود آرایه تشخیص وجود دارد.

- ای آبشار نوحه گر از بهر چیستی؟

تشخیص

2- فعل جمله یا شعر نگاه می کنیم اگر فعلی برای انسان باشد و کننده آن غیر انسان باشد سیب آرایه تشخیص می شود.

- هر نیمه شب آسمان ستوده آید از گریه ی سخت و ناله زارم تذکر : بعضی از اضافه های استعاری تشخیص دارد.

مانند: دست مرگ- حیثیت مرگ- گوش زمانه

مثال: که دستش نهانی اندر دست مرگ است  
اضافه استعاری = تشخیص

- زین پیش دلاورا کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

**یا آوری :** یکی از حالات اضافه استعاری آن است که کلمه ی اول اعضای وجودی یا شخصیتی انسان باشد و کلمه ی دوم اسم انسان نباشد.

بعد از ای یا قبل از الف ندا صفات انسان ذکر شود تشخیص وجود ندارد.

مای درس

- ای عزیز- ای پهلوان تشخیص وجود ندارد.
- مثال: زیبیش دلاورا کسی چون تو شگفت تشخیص وجود ندارد
- هان ای عزیز به فصل جوانی به هوش باشد تشخیص نیست

www.my-dars.ir

(7) **آرایه تکرار :** آن است که یک کلمه چندین بار (حداقل دو بار) تکرار شود که معمولاً معنایش یکسان است.

مثال: از درد سخن گفتن و از درد شنیدن با مردم بی درد ندانی که چه دردی است

هر کس از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من

**یاد آوری :** ردیف و حروف ..... جزو تکرار حساب نمی شود.

**یاد آوری:** جناس تام و تکرار شبیه هم می باشد ولی در آرایه ی تکرار دو کلمه عین هم معنایشان یکسان است.

**8) آرایه ی تصدیر (صدر آغاز) :** اگر دو کلمه ای عین هم باشد و یکی در آغاز بیت و دیگری در پایان همان بیت بیاید آرایه تصدیر وجود دارد

مثال: آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست طومار ندامت است طبع من  
عالمی دیگر ببايد ساخت و از نو آدمی حرفی است هر آتشی ز طومار م

**یاد آوری :** در آرایه ی تصدیر دو کلمه تکراری یکی می تواند در اوایل بیت و دیگری در اواخر بیت بیاید و نیاز نیست حتما در آغاز بیت یا دقیقا در آخر بیت ذکر شود.

سرالبا ارسلان دیدن ز رفعت رفته بر گردون به مروا تا کنون در گل تن الب ارسلان بینی

هر آرایه تصدیری تکرار است اما عکس مساله صحیح نیست.  
9) آرایه عکس: آن است یک عبارت در یک جمله یا در یک بیت بالعکس شود بدون آنکه تغییری بر روی معنا ایجاد شود.

تن زجان و جان ز تن مستور نیست همی زور کرد این بران آن بر این

**10) آرایه ی حس آمیزی :** پنج گونه حس وجود دارد که هر کدام از حس ها صفات خاص خود را دارد.

- 1) تاریک - روشن - سیاه - سفید (بینایی)
- 2) آهنگ - نوا - صدا - موسیقی (شنوایی)
- 3) بو - عطر - رایحه (بوایی)
- 4) شیرین - تلخ - بی مزه (چشایی)

مای درس  
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

5) نرم - لطیف - زبر (لامسه)

حال اگر صفات هر حسی از روی کلمه ی قبل یا بعد به همان حس نسبت داده نشود سبب آرایه حس آمیزی می شود به عنوان مثال وقتی می گوئیم چای تلخ - تلخ بودن چایی با حس چشایی قابل درک است پس حس آمیزی ندارد اما وقتی می گوئیم سخن تلخ - تلخ بودن سخن با حس چشایی قابل درک نیست پس آرایه حس آمیزی وجود دارد.

### نمونه هایی از مقایسه حس آمیزی:

حس آمیزی ندارد ..... حس آمیزی دارد

1) غذای بی مزه ..... سخن بی مزه

2) پارچه نرم ..... سخن نرم

3) بوی غذا ..... بوی عشق

4) عطر گل ..... عطر شهادت

5) صدای رادیو ..... صدای عشق

### مثال شعری:

بوی بهبود ز اوضاع جهان می شنوم . **حس آمیزی دارد**

دل مجنون ز شکر خنده خون است . **حس آمیزی دارد**

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

**یاد آوری:** در آرایه ی حس آمیزی از روی کلمه قبل یا بعد حس داده شده یا از روی جمله فعل جمله می توان پی به وجود حس آمیزی برد اما چند نمونه ی خاص هم وجود دارد.

مثال: لیک چشم و گوش را آن نور نیست. حس آمیزی وجود دارد.

دید کز آن دل آغشته به خون آید آهسته برون این آهنگ. (حس آمیزی دارد)

## مروری بر ردیف و قافیه:

ردیف دو کلمه است که عین هم بوده و از لحاظ معنا هم یکسان می باشد و در آخر دو مصرع می آید وجود ردیف برای ابیات الزامی نیست. اما قافیه آن است که دو کلمه در حرف یا حرف آخرشان یکسان باشد و ما قبل ردیف می آید و اگر ردیف نباشد قافیه در آخر دو مصرع می آید.

**مثال:** بشنو از نی چون حکایت می کند از جدایی هاشکایت می کند

می کند (ردیف)

شکایت و حکایت (قافیه)

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق (قافیه)

**تذکر:** اگر دو کلمه عین هم باشد و در آخر دو مصرع بیاید اما از لحاظ معنا یکسان نباشد نامش قافیه است نه ردیف ( و از دو دیدگاه آرایه جناس تام هم دارد)

**مثال:** بگفت از دل جدا کن عشق شیرین بگفتا چون زیم بی جان شیرین

شیرین اولی نام شخص است و شیرین دومی به معنی لذت بخش است که هم قافیه و هم جناس تام است.

آتش است بانک نای نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد. (قافیه و جناس تام)

ناپود باد

باد نمی باشد

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## مروری بر غالب مثنوی:

غالب شعری است که هر بیت قافیه ی بیت اول با بیت دوم و بیت دوم با بیت سوم متفاوت است.

این قالب با هر قالب شعر دیگر متفاوت است.

**مثال:** حکایت و شکایت

ببریده اند و نالیده اند

فراق و اشتیاق

اصل و وصل

مستور و دستور

**یاد آوری :** طو لانی ترین و پر محتوا ترین قالب شعری مثنوی است و تعداد ابیات آن به 4005 بیت (بوستان سعدی- پند و اندرز) بیست و شش هزار بیت ( مثنوی مولوی - عارفانه) شصت هزار بیت ( شاهنامه فردوسی - حماسی ) می رسد.

معروف ترین مثنوی سراها : سعدی- نظامی- مولوی- جامی- و غیره..... می باشد.

**(11) سجع:** در لغت به آواز کبوتر گویند و در اصطلاح به کلام آهنگین سجع گویند و به سه دسته تقسیم می شود .

الف : سجع مطرف

ب : سجع متوازن

ج : سجع متوازی

الف:

**سجع مطرف :** آن است که دو کلمه ای که سجع واقع می شوند در حرف یا در حروف آخر یکسان می باشند اما هم وزن نیستند مثل : شکست و دست.

**ب : سجع متوازن:** آن است که دو کلمه ای که سجع واقع می شوند هم وزن بوده است اما در حرف یا حروف آخر یکسان نیستند.

مثل: س لام و ک تاب [www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

**ج : سجع متوازی:** آن است که دو کلمه ای که سجع واقع می شوند هم وزن باشند هم در حرف یا حروف آخر مشترک باشد.

مثل کتاب و شتاب ک تاب و ش تاب

روش پیدا کردن سجع:

سجع در آخر دو جمله می آید اگر آخر دو جمله عین هم باشد ما قبل کلمه ی آخر می آید.

**مثال:** به خواری محکوم و از عدالت محروم . در محکوم و محروم سجع متوازی وجود دارد.

به نام آن خدایی که نام او راحت روح است و پیغام او افتتاح فتوح است. در روح و فتوح

**یاد آوری :** اگر جمله اول فعل داشته باشد و جمله دوم فعل نداشته باشد آخرین کلمه ی جمله دوم با یک کلمه مانده به آخر جمله اول سجع واقع می شود.

منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و شکر اندرش مزید نعمت. در قربت و نعمت

مثال: همه کس را عقل به کمال نماید و فرزند به جمال

**یاد آوری:** می تواند چند سجع پشت سر هم واقع شود که به آن سجع متواتر (پی در پی) گویند.

مثال: بع نام آن خدای که نام او راحت روح است و پیغام او افتتاح فتوح است و ذکر او مرحم دل مجروح است.....

**یاد آوری :** سجع مخصوص نثر است ولی می تواند شامل شعر هم باشد و آن زمانی است که قافیه ی میانی ذکر شود (یعنی وسط مصرع اول با پایان مصرع در حرف یا حروف آخر یکسان باشد).

**مثال:** ای صاحب کرامت شکرانه ی سلامت روزی تفقدی کن درویش بی نوا را (قافیه ی میانی =سجع)

**مثال:** هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را (قافیه ی میانی =سجع)

در رفتن جان از بدن گویند هر نوع سخن من خود به چشم خویشین دیدم که جانم می رود (قافیه ی میانی =سجع).

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

**(12) آرایه ترصیع:**

( دو آرایه ترصیع و موازنه ساخته شده از سجع می باشد.)

در آرایه ترصیع دو مصرع یا دو جمله ای که داده می شوند دو به دو با هم سجع متوازی می باشند. ( یعنی در آخر دو به دو هم وزن می باشند و و همدر حروف یا حروف آخر یکسان باشند) با کلمات عین هم در دو مصرع کاری نداریم.

مثال: هم حرکاتش متناسب

هم خطوطش متقارب

مثال: آتش عشق است کاندر نی فتاد

جوشش عشق است کاندر می فتاد

دانه باشی مرغکانت بر چینند      غنچه باشی کودکانت بر کنند

(دانه و غنچه. مرغکانت و کودکانت . بر چینند و بر کنند)

یاد آوری: اگر از بین کلمات دو مصرع یک کلمه هم سجع متوازی نباشد ترصیع وجود ندارد.

هم عقل دویده در رکابت هم شرع خزیده در پناهت ترصیع ندارد

(دویده و خزیده - رکابت و پناهت)

13) آرایه موازنه:

اگر کلمات دو مصرع دو به دو با هم سجع متوازن باشند به آن آرایه ی موازنه گویند (یعنی کلمات دو به دو با هم وزن باشند بدون آن که در حرف یا حروف آخر یکسان باشند).

چرخ ارچه رفیع خاک پایت      عقل ارچه بزرگ طفل راحت

چرخ و عقل- رفیع و بزرگ-خاک و طفل- پایت و راحت

یاد آوری: اگر از بین کلمات دو مصرع بعضی از کلمات دو مصرع سجع متوازی باشند بعضی ها سجع متوازن باز هم نامش موازنه است.

مثال: جبریل مقیم آستانت      افلاک حریم بارگاہت

جبریل و افلاک-مقیم و حریم-آستانت و در گاہت      سجع متوازن

هم عقل دویده در رکابت هم شرع خزیده در پناهت

(عقل و شرع- دویده و خزیده- رکابت و پناهت) سجع متوازن-سجع متوازی-سجع متوازن

همچو نی زهری و تریاقی که دید؟

همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟

در زهری و دمساز سجع متوازن و در تریاقی و مشتاقی سجع متوازی وجود دارد =موازنه

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی

نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

در وصف و شبه سجع متوازن و فهم و وهم سجع متوازی ننگی و نیایی سجع متوازی =موازنه

**14) حسن تعلیل:** تعلیل در لغت به معنی زیبایی و تعلیل به معنای علت است و در اصل سوالی است که در جواب آن سوال عاقلانه نیست بلکه رمانتیک و تخیلی می باشد.

**روش پیدا کردن:**

**الف)** اگر مصراع اول سوالی بپرسد و مصراع دوم جواب مصراع اول را بدهد به کل بیت حسن تعلیل می گویند.

نفحات صبح دانی ز چه روی دوست دارم؟ که به روی دوست ماند بر افکند نقابی

سوال جواب = حسن تعلیل

**تذکر:** می تواند یک بیت سوال بپرسد و یک بیت جواب بدهد که در چنین صورتی دو بیت حسن تعلیل دارد.

هنگام سپیده دم خروس سحری دانی که چه رو همی کند نوحه گری؟ =سوال

یعنی که نمونده در آینه صبح از عمر شبی گذشت و تو بی خبری =جواب

**ب)** اگر در آغاز مصراع اول یا در آغاز مصراع دوم یک از حروف (که- تا - چون- از آن- پس)

دیده شود، در بیشتر آنها مارا به حسن تعلیل هدایت می کند. [www.mydars.ir](http://www.mydars.ir)

**اِز آن** مرد دانا دهان دوخته است که بیند که شمع از زبان سوخته است

**تا** رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم



تذکر: حروف نام برده شده می توانند در وسط شعر بیاید و مارا به سوی حسن تعلیل هدایت کند به صورتی که مکث یا ویرگولی دیده شود که این مکث یا ویرگول بعد از فعل قرار می گیرد.

تویی بهانه آن ابرها که می گریند بیا ، که صاف شود این هوای بارانی

تذکر: شعرهای حماسی ، مناجات و مناظره حسن تعلیل ندارند .

**15 تشبیه :** شباهت کردن چیزی به چیزی یا به شخصی و .... را گویند.

برای پیدا کردن تشبیه به ترتیب به یکی از حالات زیر توجه می کنیم:

**الف) حالت اول تشبیه:**

**ادات تشبیه:** یعنی دیدن یکی از کلمات : مثل - مانند- چون- (چو) - همچون (همچو) - وار - وش- آسا (سا) ماند- گویی- به کردار- به منزله- فام-

مثالهایی از حالت اول تشبیه:

میرود صبح و اشارت می کند کاین گلستان خنده واری بیش نیست  
مانند خنده

به کردار صدف بر گرد مروارید

به مانند صدف

از در در آمدی و من از خود به در شدم گویی از این جهان به جهان دگر شدم

به مانند

مرا در دل درخت مهربانی به چه ماند ؟ به سرو بوستانی

دلیری کجا نام او اشکبوس همی بر خروشید برسان کوس

**یاد آوری:** کلمه ی (سان) معنای (مانند) می دهد و جزو ادات تشبیه است .

البته اگر با حروف اضافه ی (به- بر) بیاید جزو ادات تشبیه است. در غیر اینصورت جزو تشبیه نیست. برای مقایسه:

عشقت رسدبه فریاد ار خود به سان حافظ

بگفت از دل شدی عاشق بدین سان (تشبیه نیست)

گر این سان بود گردش روزگار = تشبیه نیست

**یاد آوری :** کلمه چون (چو) اگر معنای (مثل) یا (مانند) بدهد تشبیه می باشد در غیر اینصورت تشبیه نیست.

چو به دوست عهد بندد ز میان پاک بازان      چو علی که می تواند که به سر برد وفا را؟

وقتی = تشبیه نیست      مانند = تشبیه است

چون شبنم افتاده بدم پیش افتاب      مانند = تشبیه است

**یاد آوری:** کلمه ی گویی اگر فعل باشد جزو تشبیه نیست. برای شناسایی بر روی کلمه (گویی) از حرف (ب- می) استفاده میکنیم اگر معنا بدهد تشبیه نیست.

برای مقایسه : گویی از این جهان به جهان دگر شدم      مانند = تشبیه است

چو خواهی که گویی نفس بر نفس      بگویی = تشبیه نیست

**یاد آوری:** کلمه آسا (سا) اگر معنای ساییدن یا تماس پیدا کردن بدهد جزو تشبیه نیست.

برای مقایسه : صبحدم چون کله بندد آه دود آسای من -      مانند دود = تشبیه است

داستانی از میوه های سر به گردون سای.....

تماس پیدا کننده با آسمان = تشبیه نیست

**ب : حالت دوم تشبیه :**

اگر ادات تشبیه دیده نشد شعر را بر حسب فعل یا مکث در ذهن خود جدا می کنیم و اول یا وسط هر بخش جدا شده (مثل یا مانند) می گذاریم اگر معنا بدهد تشبیه است.

**یا دآوری :** هنگام قرار دادن ( مثل یا مانند) دقت می کنیم که ما قبل حروف اضافه - بعد از کسره و ما قبل فعل نمی توانیم (مثل یا مانند) قرار دهیم.

برق با شوقم شراری بیش نیست      شعله طفل نی سواری بیش نیست

مانند برق شراری = تشبیه      مانند = تشبیه

عشق در یایی کرانه نا پدید = (عشق مانند در یایی است)

که لیلی گر چه در چشم تو حوری است = (مانند حوری است)

**یاد آوری :** اگر شعری نا مرتب بود اول شعر را بر حسب نهاد ..... و فعل مرتب می کنیم و اول یا وسط هر بخش جدا شده (مثل یا مانند) می گذاریم.

آتش است این بانگ نای و نیست باد = (این بانگ نای مانند آتش است)

دلبر که در کف او موم است سنگ خارا = (دلبر که در کف او سنگ خارا مانند موم است)

**(ج) حالت سوم تشبیه :** هر اضافه‌ی تشبیه‌ی آرایه‌ی تشبیه دارد.

در اضافه تشبیه‌ی دو کلمه‌ی ( مشبه یا مشبه به ) هم اضافه شده است

مثل: آتش عشق (عشق مانند آتش است)

برای شناخت اضافه‌ی تشبیه‌ی انواع اضافه‌ها را مرور می‌کنیم. در اول باید بدانیم که دو نوع ترکیب وجود دارد:

## 1) ترکیب و صفی

## 2) ترکیب اضافی

برای تشخیص انواع ترکیب بین دو کلمه‌ی اضافه شده به هم کلمه‌ی ( چگونه ) می‌گذاریم اگر معنا بدهد ترکیب و صفی است در غیر اینصورت ترکیب اضافی است.

**مانند :** آتش سوزان (آتش چگونه است؟= سوزان . پس ترکیب و صفی است)

آتش هجران (آتش چگونه است؟= هجران . معنا نمی‌دهد پس ترکیب اضافی است)

اگر ترکیب اضافی باشد زمینه‌ی اضافه‌ی تشبیه‌ی در آن شاید باشد و شاید نباشد.

مروری بر انواع اضافه‌ها:

1) **اضافه بنوت :** اسم دو انسان (مرد) به وسیله کسره به هم اضافه شود که به آن اضافه‌ی پدر فرزندی هم می‌گویند.

رستم دستان (رستم پسر دستان) - ناصر خسرو (ناصر پسر خسرو)

عیسی مریم (عیسی پسر مریم)

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## 2) اضافه تخصیصی

## 3) اضافه ملکی

بین دو کلمه اضافه شده به هم کلمه‌ی ( برای ) یا ( مال ) می‌گذاریم اگر معنا بدهد یا اضافه‌ی تخصیصی است یا ملکی ( اگر کلمه‌ی دوم اسم انسان باشد اضافه‌ی ملکی است در غیر اینصورت اضافه‌ی تخصیصی است )

مانند : کتاب علی (کتاب مال علی) = اضافه ملکی

اتاق مطالعه ( اتاق مال مطالعه ) = اضافه تخصیصی

**4 ( اضافه جنسی :** در اضافه جنسی گلمه اول ساخته شده از کلمه دوم است بطوری که اگر بین دو کلمه عبارت (( از جنس)) بگذاریم معنا بدهد.

تیر خدنگ (تیری از جنس خدنگ)

**5) اضافه اقترانی :**

**6) اضافه استعاری:** برای توضیح این دو نوع اضافه به مبعث استعاره مراجعه شود

مثل: دست تقدیر - حیثیت مرگ - دست توبه

**7) اضافه تشبیهی :** بعد از طی مراحل انواع اضافه شناخت اضافه تشبیهی بسیار ساده است .

مثل: دریای غم- کوه آتش- آتش عشق- اکسیر عشق- آتش هجران- کتم عدم -حصار بردباری-

**یاد آوری (بسیار مهم):**

در ادبیات فارسی از اضافه ها سمبلیک یا نمادین است و همیشه تشبیهی هستند.

**مانند :** (1 چشم نرگس (2 لب لعل (3 مشت قلب

(4 روی ماه (5 زلف سنبل (6 قد سرو (7 کلاه شکوفه

**یاد آوری:** (بررسی ارکان تشبیه در پایان جزوه بیان خواهد شد)

**16) اشتقاق:**

آن است که دو کلمه از یک ریشه باشند یعنی در سه حرف اصلی مشترک باشند مانند طالع و طلوع (از طلع) - اشتیاق و مشتاق (از ریشه ی شوق)

داد معشوقه به عاشق پیغام

که کند مادر تو با من جنگ

(عاشق و معشوقه = از ریشه ی عشق)

گفتم ببینمش مگرم درد اشتیاق

ساکن شود بدیدم و مشتاق تر شدم

( اشتیاق و مشتاق = از ریشه شوق)

**یاد آوری :** به آرایه ی اشتقاق (جناس ناقص اشتقاقی) هم می گویند.

**یاد آوری :** دو کلمه ی اشتقاقی می توانند از یک ریشه فعل باشند بدون آنکه در 3 حرف اصلی مشترک باشند .

مانند: (دیدم-بینم) و (شو و شود) در مثال بالا

### 17) تناقص (متناقص نما - پارا دوکس)

**آن است که دو کلمه در ظاهر نقص کننده هم باشند مانند : دیوانه ی عاقل**

#### روش پیدا کردن تناقص:

1) اگر دو کلمه ی متضاد به وسیله کسره به هم اضافه شوند تناقص یا پارادوکس وجود دارد

مانند: حاضر غایب - فریاد بی صدا - دولت فقر - رندان پارسا

- هرگز وجود حاضر غایب شنیده ای
- دولت فقر خدایا به من ارزانی دار
- ساقی بده بشارت رندان پارسا را

**یا دآوری :** در آرایه ی تناقص به ظاهر بیت قضاوت میکنیم نه به تفسیر آن .

مثلا در مثال فوق به ظاهر معنای رند و پارسا توجه می کنیم نه به تفسیر آن.

- صدای سکوت در سر سرای سنگین شنیده می شود.
- آوازهای خاموشی افسار گسیخته شده بود.

2) اگر دو کلمه متضاد به وسیله کسره به هم اضافه نشده باشد شاید تناقص باشد شاید تناقص نباشد- اگر دو

کلمه متضاد از یک نفر یا یک چیز سر زده باشد(آن هم در آن واحد) تناقص است در غیر اینصورت تناقص نیست.

برای مقایسه :

الف) حسین خندان گریه ی مرا در آورد ( تناقص نیست زیرا از یک نفر سر زده است)

ب) حسین دیروز خندان و امروز گریان بود ( تناقص نیست زیرا در آن واحد رخ نداده است)

ج) حسین در اوج خندیدن بسیار گریست (تناقص دارد)

#### **مثال:**

- ز حرف عیب جو مجنون بر آشفت

- همچون زهری و تریاقی که دید؟

3) اگر دو کلمه عین هم بیاید و ماقبل کلمه ی تکراری و آخر فعل منفی بیاید تناقص دارد.

- بر بساطی که بساطی نیست
- عشق را دریای غم غمناک نیست
- این مردی نامرد است
- وسعت ملک لا مکان بینی
- برگ بی برگی بود ما را نوال
- مرگ بی مرگی بود ما را حلال

**یاد آوری:** به این مثال توجه کنید

- از خلاف آمد عادت بطلب کام که من کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

کلمه ی (جمعیت) به معنای آسودگی است و هم ریشه ی آن جمع و مجموع می باشد. در این جا شاعر از چیز پریشان کسب آسودگی کرده است و تناقص و جود دارد.

**نتیجه:** اگر کلمات (جمع- مجموع- جمعیت) در بیتی ذکر شود که نقطه ی مقابل آن کلمات (پریشانی- آشفتگی- و یا تفرقه ؟) ذکر شود آرایه ی تناقص و جود دارد.

- همه اسباب پریشانی ما جمع آمد تا ز مجموعه ی آن زلف پریشان شده ام

**(18) آرایه ی تنسیق الصفات:**

تنسیق از ریشه نسق به معنای روش است. اگر شاعر یا نویسنده چند صفت را پشت سر هم ذکر کند بدون آنکه نام شخص یا چیز ذکر شود بع آن آرایه ی تنسیق الصفات گویند.

مثال:

- تیزرو و تیز دو و تیز گام
- شفیع مطاع نبی کریم
- خوش روش و خوش پرش و خوش خرام
- قسیم جسیم نسیم و سیم

یا د آوری : اگر اسم یا ضمیر شخص توصیف شده شود آرایه ی تنسیق الصفات وجود ندارد.

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی

**19) تضمین :** در لغت به معنای بر گرفتن از جایی است و به دو قسمت تقسیم می شود

1) تضمین از آیه یا حدیثی یا عبارت عربی

2) تضمین از شاعر یا نوشته ی یک نویسنده

**1) تضمین از آیه یا حدیث :** اگر قسمتی از آیه یا حدیثی عینا در یک بیت یا جمله ای ذکر شود می گوئیم تضمین دارد.

**مثال:**

• چشم حافظ زیر بام آن حوری سر شت

شبهه ی جنات تجری تحتها الانهار داشت

تضمین از آیه ی قرآن دارد

• الا یا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها

تضمین

**4) تضمین از شعر یا نوشته :**

5) اگر شاعر یا نویسنده ای کلام شاعر یا نویسنده ای دیگر عینا در کلام خود ذکر کند می گوئیم آرایه ی تضمین دارد که در چنین حالتی نام نویسنده یا شاعری که او تضمین شده است ما قبل عبارت تضمین شده ذکر می شود و عبارت تضمین شده در داخل گیومه قرار می گیرد.

**مثال:**

• چه خوش گفت فردوسی پا کزاد

که رحمت بر آن تربت پاک باد

• میازار موری که دانه کش است

که جان دارد جان شیرین خوش است

**مثال:**

• چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم

که لسان الغیب خوشتر بنوازد این نوا را

• همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی

به نسیم آشنایی بنوازد آشنا را

**یاد آوری:** فرق تضمین و تلمیح در این است که در تضمین باید عین آیه یا حدیث در شعر یا نوشته ذکر شود اما در تلمیح اشاره به آیه یا حدیث می شود.

## 20) کنایه:

در لغت یعنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح آن است که اگر عبارت یا تکه عبارتی کلمه به کلمه در یک جمله یا یک بیت معنا شود، معنای واقعی خود را ندهد.

### برای مثال:

- در داخل معدن خاک بر سر من ریخت (کنایه ندارد)
- با این حالت در خواندن نمی دانم چه خاکی بر سرم بریزم (کنایه دارد)

### روش پیدا کردن کنایه :

**الف) حالت اولیه کنایه:** تمامی ضرب المثل ها آرایه ی کنایه دارد. (زیرا همه ی ضرب المثل ها معنای واقعی خود را نمی دهد).

### مثال:

- اگر به میکده منصور بگذرد داند که هر که در او هست چند مرده حلاج است

عبارت چند مرده حلاج بودن = ضرب المثل = کنایه

- هنوز از دهن بوی شیر آیدش همه رای تیز و شمشیر آیدش

عبارت از دهن بوی شیر آمدن = ضرب المثل = کنایه

**یاد آوری:** ضرب المثل هایی که مطرح می شود یا باید عامیانه باشد یا حد اقل یک بار در کتاب ذکر شده باشد تا پی به وجود کنایه آن ببریم.

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

### مثال:

- چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی ببايد زدن سنگ را بر سبوی

عبارت سنگ بر سبوی زدن = ضرب المثل و کنایه از آزمایش کردن است ( کتاب پیش 1 – درس گذر سیاوش از آتش)

- از قضا سر کنگبین صفرا فزود روغن بادام خشکی می نمود



عبارت صفرافزودن = ضرب المثل و کنایه از نتیجه ی عکس دادن می باشد ( سال دوم مایع حرفشویی)

• نیاید سخن گفت نا ساخته      نشايد بریدن نینداخته

عبارت، اندازه نگرفته بریدن ضرب المثل است و کنایه دارد (پیش 1- درس پرورده گویی)

**(ب) حالت دوم کنایه :** اگر ضرب المثل وجود نداشت به فعل یک جمله یا یک بیت توجه می کنیم اگر فعل متناسب با عبارت ما قبل خود معنای واقعی خود را ندهد یا عمل فعل در آن بیت یا جمله انجام نشود فوراً می گوییم کنایه دارد.

### مثال:

• تارفتنش ببینم و گفتنش بشوم      از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم

کنایه ندارد      کنایه ندارد      کنایه دارد

در این مثال 3 فعل وجود دارد عمل دیدن و شنیدن در این بیت انجام شده است اما فعل سمع و بصر شدن در این بیت انجام نشده است پس فعل سوم کنایه دارد.

• از آن مرد دانا دهان دوخته است      که ببیند که شمع از زبان سوخته است

در این مثال عمل دهان دوختن و زبان سوختن – هر دو کنایه دارد زیرا عمل فعل انجام نشده است.

**یاد آوری:** معمولاً اگر اعضای وجودی انسان در کنار فعل قرار بگیرد ( عمل فعل عیناً انجام نشده باشد ) کنایه دارد .

• دلیران میدان گشوده نظر      که بر کینه اول که بندد کمر  
• شاه شمشاد قدان خسرو شیرین دهان      که به عمزه می شکند قلب همه صف شکنان

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

نمونه مثالهایی از کنایه:

- هر چند بردی آبم روی از دردت نتابم
- گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟
- دل مجنون ز شکر خنده خون است
- اگر پای در دامن آری چو کوه
- جور از حبیب خوش تر کز مدعی رعایت
- اکسیر عشق بر مسم افتاد وزر شدم
- تو لب بینی و دندان که چون است
- سرت ز آسمان بگذرد در شکوه

در همه این ها کنایه وجود دارد .

## 21) آرایه لف و نشر:

لف در لغت یعنی پیچیدن و نشر یعنی پراکنده و در اصطلاح آن است که اجزای جمله یا بییتی پیچیده و مبهم باشد که با اندکی دقت و قرار دادن اجزای جمله یا بیت در کنار هم از ابهام خارج شود.

## روش پیدا کردن لف و نشر:

### شرط اول:

دیدن یکی از نشانه های (و-،یا) در دو طرف عبارت یا دو طرف بیت است به طوری که اگر در طرف اول یکی از این نشانه ها یک بار دیده شود در طرف دیگر هم یک بار تکرار شود و اگر در طرف اول یکی از این نشانه ها دو بار تکرار شود در طرف دوم هم دوبار تکرار شود و.....(چه در یک مصرع - چه در دو مصرع)

### شرط دوم:

تناسب بین دو طرف می باشد به طوری که اگر بتوانیم بین کلمات یا دو عبارت تناسب ایجاد کنیم سبب لف و نشر می شود.

### مثال:

✓ بریدم و شکستم پارچه را و شیشه را

(پارچه را بریدم و شیشه را شکستن)

بریدم : لف 1 پارچه : نشر 1

شکستم: لف 2 شیشه: نشر 2

✓ این عیار مهر و کین مرد و نامرد است

مهر : لف 1 مرد : نشر 1

کین : لف 2 نامرد : نشر 2

✓ چه باید نازش و نالش بدین اقبال و ادباری ( ادباری = بدبختی)

نازش : لف 1 اقبال : نشر 1

نالش: لف 2 ادباری : نشر 2

(نازش به اقبال و نالش به ادبار)

### یاد آوری :

اگر بین یکی از دو طرف تناسب برقرار شود باز هم سبب لف و نشر می شود .

### مثال:

✓ **چو فرزند و زن باشدم خون و مغز**

فرزند : لف 1 خون : نشر 1

زن : نشر 2 مغز : نشر 2

(در مثال فوق بین فرزند و خون تناسب است زیرا از خون انسان است ولی در ظاهر بین زن و مغز ارتباطی نیست ولی با این حال لف و نشر وجود دارد.)

### یاد آوری:

لف و نشر می تواند در یک مصرع باشد (مثل مثالهای فوق) و می تواند در دو مصرع ایجاد شود و در بعضی موارد اگر ما بین ادبیات موقوف المعانی باشد در دو بیت هم ایجاد می شود.

✓ **تار فیش ببینم و گفتنش بشنوم** از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم

ببینم : لف 1 سمع : نشر 1

بشنوم : لف 2 بصر : نشر 2

(تار فیش را با بصر ببینم و گفتنش را با سمع بشنوم)

✓ **گویند روی سرخ تو سعدی ، که زرد کرد؟** اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

سرخ : لف 1 مسم : نشر 1

زرد : لف 2 زر شدم: نشر 2

(روی مثل مس سرخ . روی چون زر زرد)

✓ به روز نبرد آن یل ارجمند      به شمشیر و خنجر ، به گرز و کمند

برید . درید و شکست و ببست      یلان را سر و سینه و پا و دست

سر یلان را باشمشیر برید و سینه آنها را با خنجر درید ، پای آنها را به گرز شکست و دست آنها را به کمند بست .

**یاد آوری :** در لف و نشر گاهی اوقات یک عبارت از یک مصرع به عبارت دیگر در مصرع دوم وصل می شود .

به روی بخت ز دیده ، ز چهره عمر به گردون      گهی چو اشک نشستم ، گهی چو رنگ پریدم

به روی بخت ز دیده : لف 1      گهی چو اشک نشستم : نشر 1

ز چهره عمر به گردون : لف 2      گهی چو رنگ پریدم : نشر 2

(به روی بخت ز دیده گهی چو اشک نشستم و ز چهره عمر به گردون گهی چو رنگ پریدم)

**یاد آوری: لف و نشر بر دو گونه است .**

**الف: لف و نشر مرتب**

**ب : لف و نشر مشوش (نا مرتب)**

**الف: لف و نشر مرتب:** آن است که لف به نشر به صورت مرتب وصل شود ( یعنی اولی به اولی و دومی به دومی)

**مثال:** گروه آموزشی عصر

✓ با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

جیب من از مال و جام من از می تهی است)

اگر در لف و نشر مرتب با مشوش دچار شک شدیم حق با لف و نشر مرتب است: (ارزش لف و نشر مرتب از لحاظ علمی و ادبی بالاتر از لف و نشر مشوش است)

**مثال:**

✓ منعم مکن از دیدن قد و رخ و چشمش      من انس به سرو و گل و بادام گفتم

(از دیدن قد چون سرو - رخ چون گل و چشم چون بادام)

**ب:**

لف و نشر نامرتب (مشوش) : اگر کلمات لف و نشر در طرف اول به کلمات نشر در طرف دوم بر حسب تناسب نامرتب وصل شود به آن لف و نشر مشوش گویند.

**مثال:**

✓ در حالی که چشمان و دهانمان پر از خاک و شبنم یخ زده است

(چشمانمان پر از شبنم یخ زده و دهانمان پر از خاک است)

✓ به لطف خال و خط از عارفان ربودی دل      لطیفه های عجب زیر دام و دانه ی توست  
(خال مانند دانه - خط مانند دام)

✓ تارفتنش ببینم و گفتنش بشنوم      از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم

(رفتنش را با بصر ببینم و گفتنش را با سمع بشنوم)

✓ روی و چشمی دارم اندر مهر او      کاین گهر میریزد ، ان زر میزند

(روی مانند زر - چشمی که اشکی مانند گوهر می ریزد.)

(22) اغراق ( غلو - مبالغه )

اغراق آن است که ادعای صفت یا حالتی در شخصی یا چیزی از حد معمول بیشتر باشد.

روش پیدا کردن اغراق: گروه آموزشی عصر

در پیدا کردن اغراق بیت را در معنای لفظی در نظر می گیریم و کلنه به کلمه به معنای ظاهری بیت با جمله ی داده شده توجه می کنیم.

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

**مثال:**

✓ که گفتت برو دست رستم ببند      نبندد مرا دست چرخ بلند

(آسمان و روزگار با همه عظمتش نمی تواند دستان مرا ببندد)

✓ گر برگ گل سرخ کنی پیرهنش را      از نازکی آزار رساند بدنش را

( یعنی آنقدر بدنش حساس و نازک است که برگ گل با همه لطافت به بدنش آسیب می‌رساند )

✓ زبس گرد از آن رز مگه بردمید تن هر دو شد از نظر ناپدید

( آنقدر گرد و غبار بلند شد که تن هیچ یک دیده نمی‌شد )

✓ بیامد دو صد مرد آتش فروز دمیدند گفتنی شب آمد به روز

( شب تبدیل به روز یا روز تبدیل به شب می‌شود )

**یاد آوری:** رابطه ای است بین مجاز و اغراق اگر اعداد ریاضی مجاز از زیاد باشد. اغراق هم دارد.

**مثال:**

✓ هزار بادیه سهل است با وجود تو رفتن

مجاز از زیاد = اغراق

همچنین اگر مکانی ( مثل جهان - ایران ) داده شود و منظور افراد مکان باشد علاوه بر مجاز اغراق هم دارد.

✓ خروشی برآمد ز دشت و ز شهر غم آمد جهان را از آن کار بهر

مجاز از مردم جهان = اغراق

**(23) اسلوب معادله:**

اسلوب در لغت یعنی روش و معادله یعنی علامت مساوی و در اصطلاح آن است که دو مصرع یا دو جمله داده شود که از لحاظ ظاهر هیچ ارتباطی با هم نداشته باشند اما از لحاظ معنا و مفهوم یکسان باشند به طوریکه اگر جای دو مصرع یا دو جمله را جابجا کنیم ضربه ای به ظاهر یا مفهوم بیت وارد نمی‌شود.

به عنوان مثال:

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

✓ حقیقت روزی آشکار می‌شود = ماه پشت ابر نمی‌ماند

ماه پشت ابر نمی‌ماند = حقیقت روزی آشکار می‌شود

**یاد آوری :** در اسلوب معادله معمولاً یکی از دو طرف جدی و طرف دیگر غیر جدی است که هر دو مکمل یکدیگرند.

✓ بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود یسته‌ی بی‌مغز چون لب‌وا کند رسوا شود

جدی

غیر جدی

(مصرع اول از بی کمالی ها سخن می گوید و مصرع دوم از پسته سخن می گوید که به ظاهر ارتباطی با هم ندارند اما از لحاظ مفهوم یکسان می باشند )

✓ عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را = دزد دانا می کشد اول چراغ خانه را  
جدی غیر جدی

( عشق و فرزانه در مصرع اول کجا - دزد و چراغ در مصرع دوم کجا

یا د آوری: از نشانه هایی که سبب میشود اسلوب معادله شکل نگیرد این است که مصرع اول فعل نداشته باشد یا اینکه مابین دو مصرع ارتباطی دیده شود یا مراعات نظیر ما بین دو مصرع وجود داشته باشد.

مثال:

شاه شمشاد قدان خسرو شیرین دهان که به غمزه میشکند قلب همه صف شکنان

(اسلوب معادله وجود ندارد زیرا مصرع اول فعل ندارد)

گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

همچنین نشانه های ربطی مثل: که - تا - چرا که - مانع از ایجاد اسلوب معادله می شود .

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم.

(اسلوب معادله نیست زیرا حرف (تا) در این بیت مانع از اسلوب معادله می شود)

24) آرایه ایهام:

ایهام در لغت به معنای به گمان افکندن است و در اصطلاح آن است که یک کلمه به دو شکل مختلف معنا شود ولی این شرط اول ایهام است و شرط کافی برای ایهام نیست بلکه کلمه ای به دو شکل مختلف معنا می شود باید در همان جمله یا بیت به هر دو شکل معنا بدهد مثلاً کلمه ای خشت به دو معناست 1- خشت یا آجر 2- نیزه

### برای مقایسه :

من خانه ای از خشت ساخته ام = ایهام ندارد زیرا فقط آجر یا سنگ معنی دارد.

تو در دعوا به طرف من خشت پرتاب کردی = ایهام دارد زیرا به هر دو شکل معنا می شود.  
یا کلمه شیرین به دو معناست 1- نام شخص 2- مزه و لذت بخش

### برای مقایسه:

شیرین به همه دوستانش عشق و حماسه را آموخت = ایهام ندارد فقط معنای نام شخص را می دهد.  
خسرو به فرهاد گفت عشق شیرین را رهاکن = ایهام دارد 1- عشق شیرین خانم 2- عشق لذت بخش

**یاد آوری :** ایهام از آرایه هایی نیست که در هر بیتی قابل شناسایی برای دانش آموز باشد بلکه طراح از کلماتی که در کتاب سبب ایهام شده است می تواند در بیتی خارج از کتاب استفاده کند اهم این کلمات عبارتند از :

مهر	:	خورشید - محبت
بو	:	بو- آرزو
بس	:	بسیار - کافی
گلستان	:	باغ - کتاب سعدی
افتاده	:	افتاده- متواضع
دارا	:	ثروتمند- متواضع
باز	:	باز و آشکار- دوباره
هوا	:	ارزو- عشق و حمایت
کشیدن	:	حمل کردن- تحمل کردن
رنگ	:	رنگ- بز کوهی
برآید	:	طلوع کند- امکان پذیر باشد
هزار	:	واحد شمارش- بابل

مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)



فلک : وسیله‌های برای تنبیه- آسمان  
 آهو : نام حیوان - عیب  
 شوکت : خار- هیبت  
 موجی : دیوانه- موج رادیو  
 خراسان : نام سازی - سرزمین  
 حروف اضافه : سخنان بیهوده- حرف اضافه دستوری  
 بیدار : بیداری- آگاهی  
 گلدسته : دسته گلی- مناره مسجد  
 زال : سست . ضعیف- پدر رستم

یاد آوری: تخلص شاعران معمولاً در ابیات ایهام دارند از جمله :

- 1) خاموش : ساکت- تخلص مولانا
- 2) رهی : رها شده- تخلص معیری
- 3) مخفی : پنهان- تخلص زیب النساء
- 4) سایه : سایه- تخلص هوشنگ ابتهاج
- 5) عراقی : نام سازی- فخر الدین عراقی
- 6) بهایی : ارزشمند- تخلص شیخ بهایی
- 7) بیدل : عاشق- بیدل دهلوی

مثالهای از ایهام :

ز دیوار خشت و از بام سنگ به کوی اندرون تیغ و تیر خدنگ

کنار نام توانگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم

از قضا آینه ی چینی شکست خوب شد اسباب خود بینی شکست

مای درس

www.my-dars.ir

## یاد آوری: ایهام تناسب:

اگر کلمه ای که ایهام دارد با دیگر کلمات همان بیت تناسب داشته باشد به آن ایهام تناسب گویند در غیر اینصورت فقط ایهام است.

**مثال:** چنان سایه گسترده بر عالمی که زالی نیندیشد از رستمی

1- پدر رستم تناسب

2- ضعیف و ناتوان

چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم

ایهام

ایهام تناسب: 1- خورشید

2- محبت

**(25) استعاره:** در لغت یعنی قرض و رعایت گرفتن است و در اصطلاح آن است که از ارکان تشبیه یا مشبه باقی بماند یا مشبه به

مثال:

نی به مانند انسان حکایتها کرد

مشبه (استعاره) ادات مشبه به گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

امام حسین (ع) به مانند شیر از حق دفاع کرد

امام حسین: مشبه به مانند: ادات شیر: مشبه به

## روش پیدا کردن استعاره:

1) اگر بعد از ( ای ) یا قبل از ( الف ندا ) به جای اسم انسان اسم غیر انسان ذکر شود آرایه ی استعاره دارد.

ای آفتاب خوبان می جوشد اندرونم ( ای معشوقهای که مانند آفتاب هستی )

دی می شد و گفتم صنما عهد به جای آر گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست

صنما: ای صنم ( ای معشوقه ای که مانند بت زیبا هستی )

2) هر اضافه ی استعاری آرایه ی استعاره دارد. اضافه استعاری پر دو گونه است:

**الف:** اگر دو کلمه ای که به هم اضافه می شوند کلمه ی اول اعضای وجودی یا شخصیتی انسان و کلمه ی دوم اسم انسان نباشد، اضافه استعاری داریم. برای مقایسه:

### اضافه استعاری نیست:

دست علی  
گوش حسین  
آبروی حمید  
حیثیت انسان  
چشم انسان

### اضافه استعاری است:

دست تقدیر  
گوش زمانه  
ابروی فقر  
حیثیت مرگ  
چشم دل

مای درس  
گروه آموزشی عصر

ب) اگر جزوی از یک پیکره داده شود ولی اصل پیکره داده نشود اضافه ی استعاری است.

### برای مقایسه:

### اضافه استعاری است:

پوزه مرگ  
افسار سخن  
کنگره ی عرش

## اضافه استعاری نیست:

پوزه سگ  
افسار اسب  
کنگره ی قصر

3) فعلهای هر گروه از موجودات به همان گروه نسبت داده نشود. مثلا به جای این که بگوییم پرنده پرنده پرواز کرد- بگوییم عشق پرواز کرد ، فکر پرواز کرد - ( یعنی عشق یا فکر مانند پرنده ای پرواز کرد)

## مثال:

آسمان تعطیل است. (تعطیل است برای آسمان نیست)

بادها بیکارند (بیکار بودن برای باد نیست)

ابرها خشک و خسیس هق هق گریه ی خود را خوردند.

(هق هق گریه ی خود را خوردند برای ابرها نیست)

نمونه هایی برای سه حالت استعاره:

ای ابر بهمنی نه به چشم من اندری

زین پیش دلاورا کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

ما آبروی فقر و قناعت نمیبیریم ( آبروی فقر - آبروی قناعت)

هر گونه نکاشت مهرورز خوبی گلی نچید.

تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

ای آبشار نوحه گر از بهر چبستی

## 4) حالت چهارم استعاره:

اگر یک کلمه بر اساس کلمات قبل یا بعد معنای واقعی خود را ندهد آرایه استعاره داریم بطوریکه اگر بین معنای داده شده و اصل کلمه ( مثل یا مانند) قرار دهیم معنا بدهد.

## برای مقایسه:

گلی را دیدم که گلبرگ هایش زرد و غنچه هایش پژمرده بود و همه بر ناز و کرشمه او غبطه می خوردند .  
استعاره از صورت      استعاره از لب ها

( کلمه ی گل در مثال دوم استعاره از معشوقه است و کلمات گلبرگ و غنچه هم دارای آرایه ی استعاره هستند اما در مثال اول استعاره ای وجود ندارد)

**یاد آوری:** استعاره ی نوع چهارم نیاز به قدرت معنا کردن شعر یا جمله دارد و معمولاً طراح استعاره ی نوع چهارم را خارج از کتاب نمی دهد و نهایتاً از کلمات داخل کتاب شبیه سازی می کند . نمونه هایی از آن:

سپر بر سر آورد شیراله      علم کرد شمشیر آن اژدها  
استعاره از حضرت علی      استعاره از عمرو  
(کلمات شیر و اژدها در مقایسه با کلمات قبل و بعد نشان داده می شوند که معنای واقعی خود را نمی دهند )  
یکی بی زیان مرد آهنگر م      ز شاه آتش آید همی بر سرم  
استعاره از ظلم و ستم

هر که این آتش ندارد نیست باد

استعاره از

عشق

مای درس

گروه آموزشی عصر

چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب

استعاره از معشوقه

**یاد آوری 1:** اضافه استعاری در ظاهر شبیه ی اضافه اقترانی است ( زیرا در اضافه ی اقترانی هم کلمه ی اول اعضای وجودی است و کلمه دوم اسم انسان نیست)

مثل : دست توبه - دست طمع - سر تعظیم

فرق اضافه ی اقترانی با اضافه ی استعاری:

در اضافه اقترانی منظور کلمه اول است و می توان ما بین دو کلمه عبارت ( به قصد ) گذاشت اما در اضافه ی استعاری این امکان وجود ندارد.

### برای مقایسه:

دست توبه به سوی خدا بلند کرد ( دست به قصد توبه به سوی خدا بلند کرد )  
دست روزگار نیاکان مرا از من گرفت ( روزگار نیاکان مرا از من گرفت )

یاد آوری 2 : استعاره به دو قسمت تقسیم می شود (1 استعاره مصرحه 2 استعاره مکنیه

استعاره مکنیه: حالت دوم و سوم استعاره ، استعاره مکنیه است ( یعنی حالت اضافه ی استعاری- و حالتی که فعل هر گروه به همان گروه نسبت داده نشود.)

مثال:

چشم دل باز کن که جان بینی

اضافه ی استعاری = استعاره مکنیه

تراز کنگره ی عرش می زنند صفیر

اضافه استعاری = استعاره مکنیه

گل بخندید و باغ شد پدram

حالت سوم استعاره = استعاره مکنیه

# مای درس

استعاره مصرحه: حالت چهارم استعاره - استعاره مصرحه است.

مثال: 1- دهان جز به لولو نکرند باز گروه آموزشی عصر

لو لو = استعاره از سخن ( استعاره مصرحه)

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

حالت اول استعاره یا استعاره مکنیه است مصرحه اگر بعد از ( ای ) معنا عوض نشود استعاره مکنیه است ( که معمولا بعد از ( ای ) اگر نام مکانی یا نام باها ذکر شود معنا عوض نمی شود)

مثال : ای آبشار نوحه گر از بهر چیستی ( آبشار : استعاره مکنیه)

مثال : ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست ؟ ( نسیم سحر استعاره مکنیه دارد)

اما اگر بعد از ای یا قبل از الف ندا معنا عوض شود استعاره مصرحه است.

**مثال:**

ای دیو سپید پای در بند ( دیو سپید استعاره از کوه دماوند که استعاره مصرحه است)

ای گل به دست مال هوس پیشگامان مرو ( گل: استعاره از انسان که استعاره مصرحه است)

## 26: تلمیح:

تلمیح در لغت به معنی از گوشه چشم اشاره کردن است و در اصطلاح آن است که شاعر یا نویسنده کلمه یا کلماتی بیاورد و ما را به یاد ( داستان یا حکایت - آیه یا حدیثی) بیندازد. همچنین در تلمیح می تواند به یک رویداد تاریخی یا ضرب المثل هم اشاره بکند.

**روش پیدا کردن تلمیح :**

هر جا که در شعرها نام شخصی یا چیزی ( غیر از نام خود شاعر ) بیاید می گوئیم تلمیح دارد.

دیشب صدای تیشه از بیستون نیامد      شاید که خواب شیرین ، فرهاد رفته باشد

آن قصر که جمشید در او جام گرفت      آهو بچه کرد و رو به آرام گرفت

بگفتا دوری از مه نیست در خور      بگفت آشفته از مه دور بهتر

اشاره ای به اینکه دیوانه ای به مابه نگاه کند دیوانه تر می شود.

چنین سوگند چرخ بلند      که بر بی گناهان نیاید گزند.

اشاره دارد به سنتی در آیین زرتشت که فرد بی گناه گزند و آسیبی نمی بیند.

**یاد آوری: 1-** در مثالهایی مانند دو مثال اخیر ،طراح بر اساس معلومات کتاب ، سوال طرح می کند.

**یاد آوری: 2-** دو کلمه ( مجتبی و مصطفی) اگر در کنار فعل ( است) قرار بگیرد تلمیح ندارد . زیرا معنای ( برگزیده ) می دهد.

قافله سالار ما فخر جهان مصطفاست. ( تلمیح ندارد )

یاد آوری 3 : کلمه ( خسرو ) اگر معنای ( پادشاه ) بدهد یا در معنای ( معشوقه ) به کار برود تلمیح ندارد.

چو خسرو شدی بندگی را بکوش ( تلمیح ندارد )

شاه شمشاد قدان خسرو شیرین دهان که به غمزه می شکند قلب همه صف شکنان ( تلمیح ندارد )

یاد آوری 4: نام گلها ( ارغوان سمن، شقایق، نرگس ) نمی تواند تلمیح باشد.

ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد.

یاد آوری 5: در تلمیح به آیه یا حدیث، ما تابع کتاب هستیم. یعنی هر جا نویسنده کتاب ( چه در توضیحات و چه در خود آزمایی ) اشاره به آیه و حدیث کند، می گوییم تلمیح دارد.

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه ی فال به نام من دیوانه زدند .  
اشاره به آیه: ( انا عرضنا الامانه علی..... )

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش  
اشاره به حدیث ( کل شی یرجع الی اصله )

در چنین مثالهایی یک کلمه به عنوان الگوی بیت قرار می گیرد مثلا در مثال اول کلمه ی ( امانت ) و در مثال دوم ( اصل ) به عنوان موضوع اساسی هم در بیت و هم در آیه می باشد. طراح می تواند از چنین مثالها کلماتی در بیت خارج از کتاب استفاده کند و به مانند ان شبیه سازی کند.



## مروری بر موقوف المعانی :

اگر بیته از لحاظ دستوری کامل نباشد بطوریکه خواننده یا شنونده منتظر ادامه ی کلام یا بیت باشد می گوئیم که این بیت با بیت بهد از خود ( یا ابیات بعد از خود) ارتباط دارد. به ابیاتی که معنای آنها بدون هم کامل نیستند موقوف المعانی گویند.

### مثال:

چو بر خواند کاوه همه محضرش      سبک سوی پیران ان کشورش  
خروشید کای پامردان دیو      بریده دل از ترس کیهان خدیو

( بیت اول را از لحاظ دستوری مرتب می کنیم : چو کاوه همه محضرش را خواند سبک سوی پیران آن کشورش.....)

می بینیم که بدون بیت بعدی معنا نمی دهد و یا بیت بعد از خود ارتباط دارد.

مثال دیگر: عاشق بی خرد نا هنجار      نه بل آن فاسق بی عصمت و ننگ  
حرمت مادری از یاد ببرد      مست از باده و دیوانه ز بنگ

رفت و مادر افکند به خاک      سینه بدرید و دل آورد به چنگ

( سه بیت موقوف المعانی است)

استفهام انکاری: ( تاکید - پرسشی)

سوالی است که هدف از سوال ، جواب سوال نیست بلکه تاکید بیشتر بر روی جمله یا کلام سوالی است. یعنی جمله یا پیام خود را با سوال عنوان می کند تا تاکید بیشتری بر روی کلام خود کند.

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

چند نمونه از جمله های روزمره:

تا کی می خواهی درس نخوانی ؟ ( یعنی برو درس بخوان)

چند بار بهت بگم به بزرگتر احترام بگذار ( یعنی بارها به تو گفتم که به بزرگتر احترام بگذار )

### مثال شعری:

همچو نی زهری و تر یاقی که دید؟ ( یعنی کسی ندید)

جو علی که می تواند که به سر برد وفارا؟ ( کسی نمی تواند مانند علی وفادار باشد)

یاد آوری: اگر فعل جمله منفی باشد به آن استفهام تقریری گویند و استفهام انکاری نیست.

**مثال:** پیاده ندیدی که جنگ آورد ( چون فعل منفی است استفهام انکاری نیست)

زین دو چرا نگذریم منزل ما کبریاست

**ادامه تشبیه : مروری بر ارکان تشبیه :**

1 - ادات تشبیه

2 - مشبه به

3 - مشبه

4 - وجه شبه

1- **ادات تشبیه :** کلمات : مثل- مانند- وار- وش- آسا- سان ( به سان - بر سان ) - به کردار - چون(چو)- همچون (همچو).....

2- **مشبه به :** کلمه ای که بعد از ادات تشبیه می آید به آن مشبه به می گویند.

**مثال:**

همی بر خروشید برسان کوس ( برسان: ادات تشبیه- کوس:

دلیری کجا نام او اشکیوس

مشبه به)

همچو نی زهری و تریافی که دید؟ ( همچو: ادات- نی: مشبه به)

3- **مشبه به :** بعد از پیدا کردن ادات تشبیه و مشبه به بر روی این دو رکن از ( چه کس یا چه چیز ) استفاده می کنیم کلمه‌های که در جواب آشکار می شود به آن مشبه گویند.

**مثال:** همی بر خروشید برسان کوس ( برسان: ادات- کوس: مشبه به)

دلیری کجا نام او اشکیوس

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

( چه کس به مانند کوس ( طبل بزرگ) ؟ اشکیوس ( مشبه)

4 - **وجه شبه :** بعد از پیدا کردن مشبه - ادات تشبیه- مشبه به - آنها را مرتب می کنیم و بر روی آنها از عبارت (( از چه لحاظ یا از چه جهت)) استفاده می کنیم کلمه‌های که در جواب آشکار می شود به آن وجه شبه گویند.

همی بر خروشید برسان کوس( برسان: ادات- کوس: مشبه به)

دلیری کجا نام او اشکیوس

اشکیبوس مانند کوس ( طبل بزرگ ) است از چه لحاظ؟ خروشیدن ( وجه شبهه )  
**یاد آوری 1:** مشبه می تواند یک اسم - یا ضمیر - یا شناسه ی فعل باشد برای مقایسه :

حسین در دلاوری مثل شیر است      تو در دلاوری مثل شیری

مشبه

مشبه

در دلاوری مثل شیرم (م(من)) مشبه می باشد البته اگر ضمیر نباشد از شناسه استفاده می کنیم.

مثال:

چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب ( چون : ادات - شبنم : مشبه به - بدم : مشبه )

**یاد آوری 2:** اگر جمله پرسشی باشد و با کلمه ی ( که یا چه ) پرسش شده باشد کلمه ( که یا چه ) مشبه می باشد.

چو علی که می تواند که به سر برد وفا را؟ ( چو: ادات- نی: مشبه به - که: مشبه- سر برد وفا را: وجه شبهه )

همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟ ( همچو: ادات- نی : مشبه به - که: مشبه )

**یاد آوری 3:** همیشه اول ادات تشبیه است بعد مشبه به ذکر می شود اما در کلمات :آسا- وار- وش-) جای دو رکن عوض می شود.

صحبدم چو کله بندد آه دود آسای من ( دود : مشبه به - آسای : ادات )

**مثال:** کاین گلستان خنده واری بیش نیست ( خند ه: مشبه به - واری : ادات )

البته در دیگر ادات تشبیه این اتفاق می تواند رخ دهد

**مثال:**

تا واره ی از دم ستوران      وین مردم نحس دیو مانند ( دیو: مشبه به- مانند: ادات )

دفعات صبح دانی ز چه روی دوست دارم ؟ که به روی دوست ماند که بر افکند نقابی ( روی دوست: مشبه به- ماند: ادات )

**یاد آوری 4:** وجود ادات تشبیه و وجه شبهه الزامی نیست ولی وجود مشبه و مشبه به الزامی است) تشبیه ای که در آن وجه شبهه و ادات تشبیه نباشد زیباترین نوع تشبیه می باشد که به آن تشبیه بلیغ می گویند.

نمونه هایی از آن:

عشق دریایی کرانه ناپدید ( عشق مانند دریایی) ادات تشبیه ذکر نشده است. (عشق: مشبه - دریایی: مشبه به- کرانه ناپدید: وجه شبه)

آتش است این بانگ نای و نیست باد ( این بانگ نای مانند آنتش است.) آتش: مشبه به - این بانگ نای : مشبه ( نه وجه شبه دارد و نه ادات تشبیه)

پیش صاحب نظر ان ملک سلیمان باد است ( نه ادات وجود دارد و نه وجه شبه)

### مروری بر قالبهای شعری:

1) قصیده

2) غزل

3) رباعی

4) دو بیتی

5) ترجیع بند

6) ترکیب بند

7) قطعه

8) مثنوی

1) قصیده:

2) غزل:

دو قالب شعری است که مصرع اول آن با مصرع های زوج آن هم قافیه می باشد مثل:

شکایت ..... شکایت ..... حکایت

بی عنایت ..... بی عنایت ..... بی عنایت

بی نهایت ..... بی نهایت ..... بی نهایت

حمایت ..... حمایت ..... حمایت

بدایت ..... بدایت ..... بدایت

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

مای درس

گروه آموزشی عمیر

## فرق قصیده و غزل : دو فرق اساسی دارد:

- 1) تعداد ابیات غزل حد اقل 5 و حد اکثر 15 بیت می باشد در حالی که در قصیده حد اقل 15 بیت و حد اکثر بالغ بر 300 بیت می باشد.
- 2) محتوای غزل عاشقانه و عارفانه است در حالی که محتوای قصیده مباحثی چون توصیف ، پند و اندرز .... می باشد .

## مراحل غزل و قصیده:

پنج مرحله دارد که به ترتیب عبارتند از

- 1) مطلع
- 2) تغزل
- 3) تخلص
- 4) تنه اصلی
- 5) مقطع

**یاد آوری :** مرحله اول ( مطلع ) و مرحله ی پنج ( مقطع ) بین غزل و قصیده مشترک است اما مراحل دوم ( تغزل ) سوم ( تخلص ) و مرحله ی چهارم ( تنه اصلی ) فقط شامل قصیده است ( یعنی غزل دو مرحله است و قصیده پنج مرحله ).

**1) مطلع :** ( به اولین بیت غزل و قصیده مطلع گویند که باید بسیار زیبا و دلنشین باشد )

**2) تغزل :** بعد از مطلع ذکر می شود که شامل چند بیت از قصیده می باشد که به شکل تخیل وار و ( 2) رمانتیک ذکر می شود.

**3) تخلص :** خلاص شدن از تغزل و آماده شدن برای قسمت اصلی قصیده ( تنه ی اصلی ) را تخلص گویند که شامل یک الی دو بیت می باشد.

**4) تنه ی اصلی :** مهمترین مبحث قصیده را تنه ی اصلی گویند که بیشترین ابیات قصیده و پر محتواترین قسمت قصیده را در بر می گیرد و منظور شاعر در این قسمت بیان می شود.

**5) مقطع:** آخرین بیت غزل یا قصیده را مقطع گویند.

**3) رباعی:**

**4) دوبیتی:**

دو قالب شعری هستند که تعداد ابیات آن دو بیت ( چهار مصرع ) می باشد و همه ی مصرع ها هم قافیه می باشد ( به غیر از مصرع سوم ) که اگر شاعر بخواهد مصرع سوم را هم با بقیه ی مصرع ها هم قافیه می کند.

مثال: ..... بوستانی ..... نغمه خوانی  
..... فغانی .....

**یاد آوری:** فرق رباعی با دوبیتی: از لحاظ علمی رباعی بر وزن ( لا حول و لا قوه الا بالله ) می باشد یعنی اولین هجای رباعی با هجای بلند شروع می شود در حالی که دوبیتی با هجای کوتاه شروع می شود.

برای تشخیص رباعی و دو بیتی اولین کلمه شعر را بخش می کنیم اگر یک حرفی بود نامش دو بیتی است و گرنه رباعی است. به عنوان مثال اگر اولین کلمه شعر با کلمات: حسنت- بر خیز شروع می شود نامش رباعی است ( حس نت ، بر خیز ) ولی اگر اولین کلمه ی شعر با کلمات: مکن- سحر شروع شود نامش دوبیتی است ( م کن ، س حر )

**یاد آوری:** اگر اولین کلمه شعر با کلماتی شروع شود که حرف دوم (و) باشد به طوری که نوشته شود اما تلفظ نشود باز نامش دو بیتی است.

مثال: چو فردا نامه خوانان نامه خوانند      تورا از نامه خواندن ننگت آید

چ = دو بیتی      ت = دو بیتی

همچنین اگر اولین کلمه شعر با کلماتی شروع شود که حرف دوم آن (ی) و حرف سوم آن (الف) باشد باز نامش دو بیتی است ( مثل: بیا- خیار- پیاز )

بیا ای دل از اینجا پر بگیریم      ره کاشانه ی دیگر بگیریم

ب - یا

**(5) ترجیع بند**

**(6) ترکیب بند**

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

دو قالب شعری می باشد که از لحاظ قرار گرفتن قافیه به مانند غزل می باشد ( یعنی مصرع اول با مصرع های زوج هم قافیه است ) با این تفاوت که بعد از سرودن هر غزل ( دو مصرع ) یا ( دو بند ) به شکل پله ذکر می شود ( بعد غزل بعدی سروده می شود و به دنبالش دو مصرع یا دو بند به شکل پله ذکر می شود..... حد اقل باید دو بار این پله یا دو بند تکرار شود به شکل زیر:

شکایت ..... حکایت .....

بدایت ..... .....

نهایت ..... .....

عنایت ..... .....

حمایت ..... .....

دستیار ..... یار .....

غار ..... .....

کار ..... .....

نار ..... .....

بار ..... .....

فرق ترجیع بند و ترکیب بند : فرق این دو در ( دو بند ) می باشد اگر بند اول یا بند دوم عین هم باشد به آن ترجیع بند می گویند ولی اگر بند ها عین هم نباشد بلکه فقط قافیه ی ( بند اول) با قافیه ی ( بند دوم ) در حرف یا حروف آخر یکی باشد با آن ترکیب بند گویند .

**(7) قطعه:** تنها قالب شعری است که مصراع های فرد آن قافیه ندارد بلکه فقط مصراع های زوج آن با هم قافیه می باشد  
مثال:

جنگ ..... .....

آژنگ ..... .....

خدنگ ..... .....

چنگ ..... .....

نارنگ ..... .....

**یاد آوری :** حد اقل ابیات دو بیت است و بالغ بر بیست بیت هم شده است که مضامین پند و اندرز را در بر دارد.  
بنیانگذار قطعه این یمین می باشد.  
[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

**یاد آوری:** حواسمان باشد که رباعی و دو بیتهی هم دارای دو بیت می باشند و نباید با قطعه اشتباه شود ( در قطعه مصرع اول قافیه ندارد اما در قالب رباعی و دو بیتهی مصرع اول قافیه دارد.)

**مثال:**

ای مرغ سحر عشق زپروانه بیاموز      کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

این مدعیان در طلبش بی خبرانند

کان کس را که خبر شد خبری باز نیامد

یاد آوری : ( قالب مثنوی بیان شد )



# مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)



## آرایه های ادبی - سراسری

- ۱- کدام پاسخ در تعریف قطعه صحیح است؟  
 (۱) تمام مصراعهای آن مقفّی است  
 (۳) مصراعهای آن دو به دو مقفّی است
- ۲- کدام پاسخ این تعریف را کامل می‌کند؟ «تضمین در اصطلاح ادب، یعنی: آوردن ...»  
 (۱) بیت یا مصراعی از شاعری در ضمن شعر  
 (۳) فکر و اندیشه شاعری در ضمن شعر
- ۳- عبارت «هر چه نباید دل بستگی را نشاید» دارای کدام صنعت بدیعی است؟  
 (۱) ایهام (۲) ترصیع (۳) جناس تام (۴) سجع
- ۴- کدام پاسخ در تعریف «قطعه» درست نیست؟  
 (۱) ابیات آن همه بر یک وزنند  
 (۳) هم شکل قصیده‌ای بدون مطلع است
- ۵- در بیت «در نومیستی بسی امید است ایهام (۱) ترصیع (۲) سجع (۳) تضاد (۴) جناس» پایان شب سیه سپید است، کدامیک از صنایع بدیعی بکار رفته است؟  
 (۲) فقط مصراعهای زوج آن مقفّی است  
 (۴) مصراع اول و مصراعهای زوج آن مقفّی است
- ۶- مثنوی، شعری است که:  
 (۱) ابیات آن فقط هم وزن هستند  
 (۳) مصراعهای اول و دوم و چهارم آن هم قافیه هستند  
 (۴) وزنش یکی است ولی هر بیتش قافیه‌ای جداگانه دارد
- ۷- در مصراع: «پایان شب سیه سپید است» کدام صنعت بدیعی بکار رفته است؟  
 (۱) تشبیه (۲) تضاد (طباق) (۳) مجاز (۴) مراعات نظیر
- ۸- اشعار باباطاهر در چه قالب شعری سروده شده است؟  
 (۱) دوبیتی (۲) رباعی (۳) غزل (۴) مثنوی
- ۹- در دو مصراع مقابل «ردیف» کدام است؟ «اگر دل از علائق کنده باشی»  
 (۱) باشی - باشی (۲) کنده - کنده (۳) کنده باشی - کنده باشی (۴) هیچکدام
- ۱۰- «بوستان» در چه قالبی سروده شده است؟  
 (۱) رباعی (۲) غزل (۳) قصیده (۴) مثنوی
- ۱۱- قالب شعری کدام اثر با آثار دیگر متفاوت است؟  
 (۱) اسرارنامه (۲) الهی‌نامه (۳) مختارنامه (۴) مصیبت‌نامه
- ۱۲- اگر بیت «یار من آنکه لطف خداوند یار اوست» بیداد و داد ردّ و قبول اختیار اوست» نخستین بیت از یک قالب ده‌بیتی باشد، آن قالب چه نام دارد؟  
 (۱) مسمط (۲) قطعه (۳) قصیده (۴) غزل

- ۱۳- کدام گزینه از صنایع لفظی است؟  
 (۱) جناس (۲) تضاد (۳) ایهام (۴) تشبیه
- ۱۴- فنی که از تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز سخن گوید چه نام دارد؟  
 (۱) بدیع (۲) عروض (۳) معانی (۴) بیان
- ۱۵- کدام دو کلمه نمی‌توانند جناس باشند؟  
 (۱) شوی و شوی (۲) جوی و جوی (۳) روی و روی (۴) کوی و کوی
- ۱۶- «استعاره و تشبیه» را در کدام علم بررسی می‌کنند؟  
 (۱) بیان (۲) معانی (۳) بدیع (۴) عروض
- ۱۷- در کدام گزینه صنعت طباق نیست؟  
 (۱) بر خشک و خار، همچو بر گل و سوسن  
 (۳) جان‌ها فدای آنکه به جان شد فدای غیر
- ۱۸- در مصراع اول بیت «تو را آتش عشق اگر بر بسوخت» مرا بین که از پای تا سر بسوخت «کدامیک از ارکان تشبیه محذوف است؟  
 (۱) وجه شبه (۲) مشبه به (۳) مشبه (۴) ادات تشبیه
- ۱۹- در کدام مصراع صنعت طباق نیست؟  
 (۱) به طاعت خوی کن و ز معصیت دور  
 (۳) که ندهد طاعت با معصیت نور
- ۲۰- در بیت «بسان پلنگی که بر پشت گور نشیند برانگیزد از گور شور» کدام یک از اجزای جمله محذوف است؟  
 (۱) ادات تشبیه (۲) مشبه (۳) مشبه به (۴) وجه شبه
- ۲۱- دو مصراع بیت «آن شاخه‌های نارنج اندر میان ابر چون پاره‌های اخگر اندر میان دود» نسبت به هم، با کدام صنعت ادبی تطبیق می‌کند؟  
 (۱) استعاره (۲) ایهام (۳) تشبیه (۴) کنایه
- ۲۲- کلمه «جهان» در بیت «جهان دل نهاده بر این داستان همان بخردان و همان راستان» دارای چه صنعت ادبی است؟  
 (۱) سجع (۲) ایهام (۳) کنایه (۴) مجاز
- ۲۳- در بیت «دریای عشق را به حقیقت کنار نیست و هست پیش اهل حقیقت کنار اوست» چه صنعتی بکار رفته است؟  
 (۱) تلمیح (۲) ترصیع (۳) جناس تام (۴) تضمین
- ۲۴- «سرو سهی» در مصراع: «خم آورد بالای سرو سهی» دارای چه صنعتی است؟  
 (۱) استعاره (۲) ایهام (۳) کنایه (۴) جناس
- ۲۵- «شیرینی» در بیت «چو شیرینی از من بدر می‌رود چو فرهادم آتش به سر می‌رود» دارای کدام صنعت بدیعی است؟  
 (۱) ایهام (۲) تضاد (۳) جناس (۴) سجع

۲۶- درباره « ترکیب بند » همه گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی ..... درست است.

- (۱) از چند بند هم وزن درست می‌شود.  
(۲) هر بندی، ابیات هم قافیه دارد.  
(۳) قافیه‌ی هر بند با بند دیگر متفاوت است.  
(۴) یک بیت، عیناً در میان بندها تکرار می‌شود.

۲۷- اگر جمله‌ی «خاکستر خانه‌ی او زیاد است» به مفهوم «او مهمان نواز است» باشد، کدام صنعت ادبی بکار رفته است؟  
(۱) کنایه (۲) مجاز (۳) تشبیه (۴) استعاره

۲۸- در همه گزینه‌ها بجز گزینه .... صنعت «تضاد» وجود دارد.

- (۱) گاه درخشید و گهی تیره ماند  
(۲) همسفرم بود صباحی امید  
(۳) گاه نهان گشت و گهی شد پدید  
(۴) برد بسی رنج نشیب و فراز

۲۹- «مشبه به» در بیت «نه این ریسمان می‌برد با منش که احسان کمندی است در گردش» کدام کلمه است؟  
(۱) احسان (۲) ریسمان (۳) گردن (۴) کمند

۳۰- با توجه به بیت «نکته‌ای کان جست ناگه از زبان همچو تیری دان که جست آن از کمان» کدام گزینه درست است؟  
(۱) از زبان و از کمان : کلمات قافیه  
(۲) جست : ردیف  
(۳) کمان و زبان : کلمات قافیه  
(۴) از : ردیف

۳۱- «خرده مینا» در عبارت «... گفتمی که خرده مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا از تاکش آویخته» دارای چه صنعتی است؟  
(۱) استعاره (۲) جناس (۳) تمثیل (۴) تشبیه

۳۲- در مصراع «تو را آتش عشق اگر بر بسوخت ...» کدام رکن تشبیه، حذف شده است؟

- (۱) وجه شبه (۲) مشبه (۳) ادات تشبیه (۴) مشبه به

۳۳- اگر بیت «وقتی دل سودایی می‌رفت به بستانها بی‌خویشتم کردی بوی گل و ریحانها» اولین بیت از یک شعر ده بیتی باشد، آن شعر، در کدام قالب، سروده شده است؟  
(۱) مثنوی (۲) قصیده (۳) قطعه (۴) غزل

۳۴- کلمه «من» در کدام گزینه، قافیه است؟

- (۱) ای دریغا مرغ خوش آواز من  
(۲) خود بدید ای خسیسان زمن  
(۳) ای دریغا مرغ خوش الحان من  
(۴) طوطی من مرغ زیرکسار من  
ای دریغا همدم و همراز من  
که شما بودید افسانه نه من  
راح روح و روضه و ریحان من  
ترجمان فکرت و اسرار من

۳۵- «مفعول» در کدام گزینه، دارای صنعت «استعاره» است؟

- (۱) باران اشک، از ابر دیدگان، جاری ساخت.  
(۲) ظلمت جهل را از اندیشه خود دور کرد.  
(۳) دیو نفس را در وجود خود ناپود کرد.  
(۴) دیو را در وجود خود ناپود کرد.

۳۶- در ابیات همه گزینه‌ها، به‌جز گزینه‌ی ... همه‌ی ارکان تشبیه آمده است.

- (۱) آنکه لرزد همچو مرغ نیم بسمل، صبح و شام  
(۲) هر نسیمی که به من بوی خراسان آرد  
(۳) خوشبخت آنکه مادر دانا به روز و شب  
(۴) وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟  
در زمستان، پیکر عریان دهقان است و بس  
چون دم عیسی در کمالبدم جان آرد  
چونان فرشته بر سر او سایه گستر است  
یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیان

۳۷- کلمه‌ی «رود» در دو مصراع بیت: «بر طرف رود چون بوزد باد بر درخت آید به گوش ناله نای و صفیر رود» نشانگر کدام صنعت است؟

- (۱) تضاد (۲) جناس (۳) مجاز (۴) تضمین

۳۸- از مفهوم کدام بیت، «تشخص بخشیدن» دریافت نمی‌شود؟

- (۱) جای دگر بنفشه یکی دسته بدروند  
(۲) بسنگر یکی به رود خروشان به وقت آنک  
(۳) کوه از درخت گویی مرد مبارز است  
(۴) هنگام فرودین که رساند ز ما درود  
وین جایگاه بنفشه به خرمن توان درود  
دریا پی پذیره‌اش آغوش برگشود  
پره‌ای گونه‌گون زده چون جنگیان به خود  
بر مرغزار دیلم و طرف سپیدرود

۳۹- کدام اثر، مثنوی نیست؟

- (۱) اسکندرنامه نظامی (۲) بوستان سعدی (۳) دیوان کبیر مولوی (۴) شاهنامه‌ی فردوسی

۴۰- در همه‌ی گزینه‌ها، به‌جز گزینه ... «سجع» وجود دارد.

- (۱) از گل بستان بقیتی مانده بود که کتاب گلستان تمام گشت.  
(۲) بقیت عمر معتکف نشیند و خاموشی گزیند.  
(۳) خلاف راه صواب است و نقض رأی اولوالباب.  
(۴) ذوالفقار علی در نیام و زبان سعدی در کام.

۴۱- با توجه به عبارت «فرش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پرورد» کدام گزینه دارای صنعت «استعاره» است؟

- (۱) دایه ابر بهاری (۲) فرش باد صبا (۳) فرش زمردین (۴) مهد زمین

۴۲- در بیت «مرا ستاره‌ی صبحی که هرچه کوشیدم شد آخر از نظرم ناپدید مادر بود» کدام رکن تشبیه محذوف است؟

- (۱) ادات تشبیه (۲) مشبه (۳) مشبه به (۴) وجه شبه

۴۳- «استعمال لفظ در غیر معنای حقیقی آن» را چه می‌گویند؟

- (۱) ایهام (۲) تشبیه (۳) طباق (۴) مجاز

۴۴- عبارت «... نوعی مجاز است که لفظی را به دلیل شباهت بسیار در یکی از صفات به جای لفظی دیگر به کار برند.»

- تعریف کدام صنعت ادبی است؟  
(۱) استعاره (۲) تشبیه (۳) تشخص بخشیدن (۴) مراعات نظیر

۴۵- در همه گزینه‌ها، بجز گزینه ... ، به غیر انسان، شخصیت انسانی بخشیده است.

- (۱) به آوای نای و به آهنگ چنگ  
(۲) بهاران که شبانش ریزد سپهر  
(۳) به جز اشک چشم و به جز داغ دل  
(۴) کشد رخت سبزه به هامون و دشت
- خروش زد سرو و سمن، تارها  
به دامان گلسشن زرگبارها  
نبشاند به دست گرفتارها  
زند بارگه گل، به گلزارها

۴۶- کدام گزینه، صنعت معنوی است؟

- (۱) ایهام (۲) ترصیح (۳) جناس (۴) سجع

۴۷- اگر بیت «داد معشوقه به عاشق پیغام که کند مادر تو با من جنگ» اولین بیت از منظومه‌ای باشد، آن منظومه چه نام دارد؟

- (۱) رباعی (۲) قطعه (۳) غزل (۴) مثنوی

۴۸- اضافه تشبیهی، در بیت «نبود از تو گزیری چنین که بار غم دل زدست شکوه گرفتیم به دوش ناله کشیدیم» کدام است؟

- (۱) غم دل (۲) دوش ناله (۳) دست شکوه (۴) بار غم

۴۹- در همه‌ی گزینه‌ها، به‌جز گزینه ... ، سجع به کار رفته است.

- (۱) از اندوه بیرون نیاید که آماج تیر بلایید.  
(۲) با آنان بستیزید که رستگاریتان در آن است.  
(۳) چه جای ملامت است که در دیده من شایسته‌ی کرامت است.  
(۴) جرعه‌ اندوه به کامم می‌ریزند و کار را به هم در آمیزند.

۵۰- در کدام گزینه، «تشخیص» به کار نرفته است؟

- (۱) کالبد بنا، مینایی است که روح ایران را در آن حبس کرده‌اند.  
(۲) چه می‌خواهند بگویند این بوته‌ها و خطها و اسلیمی‌ها که در هم می‌پیچند؟  
(۳) دمدمه‌های اردیبهشت، اصفهان آرام آرام از خواب بیدار می‌شود.  
(۴) درختها از زر سُرخند و شاخه‌ها از مروارید و میوه‌های لذیذ بر آنها روییده است.

۵۱- در همه گزینه‌ها، بجز ... «تشخیص» به کار رفته است.

- (۱) لاله‌ها در دشت و صحرا روییده‌اند.  
(۲) گلها، جامه بر تن دریده‌اند.  
(۳) غنچه‌های زیبا، لب به خنده باز می‌کردند.  
(۴) موجهای خشمگین، سر بر سنگهای ساحل می‌کوبیدند.

۵۲- در همه‌ی گزینه‌ها، بجز ... ، صنعت ادبی تشبیه، دیده می‌شود.

- (۱) من خویشتن اسیر کمند نظر شدم.  
(۲) مگسی کجا تواند که بیفکند عقابی.  
(۳) گهی چو اشک نشستم، گهی چو رنگ پریدم.  
(۴) بگذار تا به چاه مذکت فرو رود.

۵۳- در عبارت «یار شاطر باشم نه بار خاطر» همه صنعت‌های ادبی، بجز صنعت ... ، به کار رفته است.

- (۱) ترصیح (۲) جناس خط (۳) سجع (۴) جناس تام

۵۴- در اصطلاح ادبی «آوردن چند کلمه در یک بخش از سخن و سپس آوردن چند کلمه دیگر در بخش دیگر، که هر کدام مربوط و متعلق به کلمات قبلی باشند.» چه نامیده می‌شود؟

- (۱) لغت و نشر (۲) ایهام (۳) کنایه (۴) تضمین

۵۵- در همه‌ی گزینه‌ها به جز ..... صنعت طباق وجود دارد.

- (۱) از همه عالم نهان و بر همه پیدا  
(۲) در بن چاهی به زیر صخره‌ی صما  
(۳) صورت خوب آفرید و سیرت زیبا  
(۴) قسمت خود می‌خورند منعم و درویش

۵۶- «پای در دامن آوردن» کنایه از چیست؟

- (۱) پیشیمان شدن (۲) قدرت یافتن (۳) گوشه گرفتن (۴) ناتوان شدن

۵۷- در کدام گزینه «تشخیص» نیست؟

- (۱) اختر شب از کنار کوهساران سر خم می‌کند تا صدای تو را بشنود.  
(۲) صدای تو، صدای دزخ‌های است که در سایه خفته است.  
(۳) گلها چون دهانه بخوردانی به سوی زمین خم شده‌اند.  
(۴) چشمه‌سار آواز می‌خواند تا صدای تو را خاموش سازد.

۵۸- در کدام گزینه «تشبیه» به کار نرفته است؟

- (۱) برآمد بادی از اقصای بابل  
(۲) به کردار چراغ نیمه مرده  
(۳) فرو بارید بارانی ز گردون  
(۴) ز روی بادیه برخاست گردی
- هبوش خاره درّ و باره افکن  
که هر ساعت فزون گرددش روغن  
چستان چون برگ گل بارد به گلشن  
که گیتی کرد همچون خزّ ادکن

۵۹- در عبارت «به حکم ضرورت، سخن گفتیم و تفرّج‌کنان بیرون رفتیم در فصلی ربیعی که صولت برد آرمیده بود و آوان دولت وارد، رسیده» کلمه‌های سجع، کدامند؟

- (۱) (سخن و بیرون) - (صولت و دولت)  
(۲) (صولت و ضرورت) - (آرمیده و رسیده)  
(۳) (گفتیم و رفتیم) - (آرمیده و رسیده)  
(۴) (گفتیم و رفتیم) - (بود و رسیده)

۶۰- در کدام گزینه، «حسن آمیزی» وجود دارد؟

- (۱) لطافت زیبای گل، زیر انگشت‌های تشریح پژمرد.  
(۲) آسمان، هم‌نژاد کویر شد.  
(۳) آن عالم پر شگفتی و راز، سرایی سرد شد.  
(۴) آسمان، فریبی آبی رنگ شد.

۶۱- در کدام مصراع، دو آرایه «تشبیه و استعاره» وجود دارد؟

- (۱) اکسیر عشق بر ستم افتاد و زر شدم  
(۲) از در درآمدی و من از خود به در شدم  
(۳) چندی به پای رفتم و چندی به سر شدم  
(۴) مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم

۶۲- سنایی غزنوی مصراع دوم بیت زیر را احتمالاً از کدام شاعر، تضمین کرده است؟

- «مگر دانم در این عالم زبیش آزی و کم عقلی  
چو رای عاشقان گردان چو طبع بیدلان شیدا»
- (۱) جمال‌الدین محمد عبدالرزاق  
(۲) فرّخی سیستانی  
(۳) کمال‌الدین اسماعیل  
(۴) منوچهری دامغانی

۶۳- در کدام بیت، تشخیص (personification) به کار رفته است؟

- ۱) شبی گیسو فرو هشته به دامن
  - ۲) شبی چو چاه بیژن تنگ و تاریک
  - ۳) فرو بسارید بارانی زگردون
  - ۴) همی راندم فرس را من به تقریب
- پلاستین معجر و قیرینه گرز  
چو بیژن در میان چاه او، من  
چنان چون برگ گل بارد به گلشن  
چو انگشتان مرد ارغنون زن

۶۴- در بیت «سراسر همه دشت بریان شدند بر آن چهر خدانش، گریان شدند» کدام صنعت و آرایه ادبی، وجود

ندارد؟

- ۱) جناس (۲) مجاز (۳) تضاد (۴) تشبیه

۶۵- واژه‌های قافیه هر یک از ابیات زیر، بجز بیت ... دارای آرایه جناس نیز هستند.

- ۱) گفت شرح حسن لیلی می‌دهم
  - ۲) می‌نویسم نامش اول و از قفا
  - ۳) ناچشیده جرعه‌ای از جام او
  - ۴) نیست جز نامی از او در دست من
- خاطر خود را تسلی می‌دهم  
می‌نگارم نامه عشق و وفا  
عشق بازی می‌کنم با نام او  
زان بلندی یافت نام پست من

۶۶- در کدام بیت، تشخیص (personification) به کار رفته است؟

- ۱) گوشم به راه تا که خبر می‌دهد ز دوست
  - ۲) در شمارم ار چه نیابود کسی حافظ را
  - ۳) از در درآملی و من از خود به در شدم
  - ۴) آن همه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود
- صاحب خیر بیامد و من بی‌خبر شدم  
شکر کان محنت بی‌حد و شمار آخر شد  
گویی کز این جهان به جهان دگر شدم  
عاقبت در قدم باد بهار آخر شد

۶۷- در کدام گزینه، تشخیص (= personification) به کار نرفته است؟

- ۱) پشت باغ، صخره‌ای پوشیده از گیاه و گل سر به سوی آسمان کرده است
- ۲) تو آن کشتی‌ای که مغرورانه باد در بادبان افکنده است تا سینه دریا را بشکافد
- ۳) در باغ زیبا گل سرخ و زنیق کنار هم شکفته‌اند تا بر رخ ژاله بامدادی بوسه زنند
- ۴) همه جا، مانند آن روزگاران که من در آتش عشق می‌گداختم، از عطر گل آکنده شده است

۶۸- «چشم ناله» در بیت «کی‌ام؟ شکوفه اشکی که در هوای تو هر شب ز چشم ناله شکفتم، به روی شکوه دویدم»

دارای کدام صنعت ادبی است؟

- ۱) تضاد (۲) تناسب (۳) جناس تام (۴) استعاره

۶۹- در کدام گزینه، تشخیص (personification) هست؟

- ۱) زمی ز اردیبهشت گشته بهشت برین
- ۲) گشت نگارین تذور پنهان در مرغزار
- ۳) لاله سوی جویبار، خرگه بیرون زده است
- ۴) چوک ز شاخ درخت خویشتن آویخته

۷۰- در کدام گزینه، آرایه ایهام به کار رفته است؟

- ۱) گر بگویم که مرا با تو سر و کاری نیست
  - ۲) بدنامی حییات، دو روزی نبود بیش
  - ۳) به خوابگاه عدم گر هزار سال بخشیم
  - ۴) عطا از خلق چون جویی، گر او را مال ده گویی؟
- در دیوار گواهی بدهد کاری هست  
آن هم کلمیم با تو بگویم چه سان گذشت  
به خواب عافیت آن گه به بوی موی تو باشم  
به سوی عیب، چون پویی، گر او را غیب‌دان بینی؟

۷۱- در هر گزینه، به جز گزینه‌ی .....، استعاره و تشبیه به کار رفته است.

- ۱) به جز وفا و عنایت، نماند در همه عالم
  - ۲) به روی بخت ز دیده، ز چهر عمر به گردون
  - ۳) کی‌ام؟ شکوفه‌ی اشکی که در هوای تو هر شب
  - ۴) نبود از تو گزیری، چنین که بار غم دل
- ندامتی که نبردم، ملامتی که ندیدم  
گاهی چو اشک نشستم، گهی چو رنگ پریدم  
ز چشم ناله شکفتم، به روی شکوفه دویدم  
ز دست شکوه گرفتم، به دوش ناله کشیدم

۷۲- در کدام گزینه، کنایه به کار رفته است؟

- ۱) بزد تیسر بر چشم اسفندیار
  - ۲) تهمت گز اندر کمان راند زود
  - ۳) تو را گر همی یار باید بیار
  - ۴) بفرمود تا زین بر اسب سیاه
- سیه شد جهان پیش آن نامدار  
بر آن سان که سیمرخ فرموده بود  
مرا یار هرگز نیاید به کار  
نهادند و بردند نزدیک شاه

۷۳- شهریار در شعر «همای رحمت» کدام بیت را عیناً از شعر حافظ نقل کرده است؟

- ۱) به امید آن که شاید برسد به خاک پایت
  - ۲) چه زخم چونای هر دم، ز هوای شوق او دم
  - ۳) ز نوای مرغ ییاحق بشنو که در دل شب
  - ۴) همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
- چه پیام‌ها سپردم همه سوز دل صبا را  
که لسان غیب خوش‌تر بنوازد این نوا را  
غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا  
به پیام آشنایی بنوازد آشنا را

۷۴- در کدام گزینه، ارتباط معنایی میان دو مصراع، با اسلوب معادله مطابقت می‌کند؟

- ۱) بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران
  - ۲) صبحدم چون کله بندد آه دودآسای من
  - ۳) عشق چون آید، برد هوش دل فرزانه را
  - ۴) نالم به دل چونای من اندر حصار نای
- کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران  
چون شفق در خون نشیند چشم خون پالای من  
دزد دانسا می‌کشید اول چراغ خسانه را  
پستی گرفت همّت من زین بلند جای

۷۵- در کدام گزینه یکی از ارکان تشبیه، محذوف است؟

- ۱) او نگاهش مثل خنجر بود.
- ۲) چاه چونان ژرفی و پهنش، بی‌شرمش ناباور
- ۳) قهوه‌خانه گرم و روشن بود، همچون شرم
- ۴) گرچه بیرون تیره بود و سرد، همچون ترس

۷۶- در همی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی .....، آرایه‌ی جناس هست.

- ۱) بر این گونه رفتند هر دو به رزم
  - ۲) ببردند و پوشید روشن برش
  - ۳) چون شد روز رستم بپوشید گبر
  - ۴) کمندی به فترک زین بر بیست
- تو گفتی که اندر جهان نیست بزم  
نهاد آن کلاه کیبی بر سرش  
نگهبان تن کرد بر گبر بر  
بر آن باره‌ی پیل پیکر نشست

۷۷- در کدام گزینه، استعاره به کار رفته است؟

- ۱) اگرچه جرم او کوه گران است
  - ۲) ز عشق، آفتاب را پُر درد دیدم
  - ۳) چنان مشهور شد در خوب رویی
  - ۴) پس آن بهتر که خود را شاد داری
- تو را دریای رحمت بی‌کران است  
خرد را، دیده خواب آورده دیدم  
که مطلق یوسف مصر است گویی  
در آن شادی، خدا را یاد داری

۷۸- در همی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی .....، آرایه‌ی سجع مشهود است.

- ۱) صیاد بی‌روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی‌اجل، در خشک نمبرد.
- ۲) نصیحت پادشاهان کردن، کسی را مسلم بود که بیم سر ندارد یا امید زر.
- ۳) با چندین فضیلت که دست راست را هست، خاتم در انگشت چپ می‌کنند.
- ۴) ارادت بی‌چون، یکی را از تحت شاهی فرو آرد و دیگری را در شکم ماهی، نکو دارد.

۷۹- در کدام بیت، سه جمله‌ی کنایی، در یک مفهوم، به کار رفته است؟

- ۱) ز عقل اندیشه‌ها زاید که مردم را بفرساید
  - ۲) گروهی همنشین من خلاف عقل و دین من
  - ۳) گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل
  - ۴) اگر عاقل بود داند که مجنون صبر نتواند
- گرت آسودگی باید برو عاشق شو ای عاقل  
بگیرند آستین من که دست از دامش بگسل  
گل از خارم بر آوردی و خار از پا و پا از گل  
شتر جایمی بخواباند که لیلی را بود منزل

۸۰- شاعر، در کدام گزینه برای بیان منظور خود از آرایه‌ی جناس استفاده کرده است؟

- ۱) کدامین پیک را دادی پیامی
  - ۲) کدامین جامه بر یادم دریدی
  - ۳) کدامین ساعت از من یاد کردی
  - ۴) عنایت گرچه زهر تاب دارد
- کدامین شب فرستادی سلامی  
کدامین خواری از بهرم کشیدی  
کدامین روزم از خود شاد کردی  
گذر بر چشمه‌ی نوشاب دارد.

۸۱- در کدام گزینه، آرایه‌ی استعاره بکار رفته است؟

- ۱) گه‌هی با من به صلحی گه به جنگی
  - ۲) به کام دشمنم کردی نه نیکوست
  - ۳) دگر باره جهاندار از سرمهر
  - ۴) به ناسخن سنگ برکندن ز کهسار
- خدا تویسه دهادت زین دو رنگی  
که بدکاری است دشمن کامی ای دوست  
به گل رخ گفت کای سرو سمن چهر  
به از حاجت به نزد ناسزاوار

۸۲- در کدام بیت آرایه‌ی حسن تعلیل به کار رفته است؟

- ۱) آمد بهار عاشقان، معشوق گل رخسار کو
- ۲) نیسایش در دل خسرو اثر کرد
- ۳) در این چمن که ز پیری خمیده شد کمرم
- ۴) خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان دیده

پر بی‌دلان شد باغ‌ها، آخر بگو دلدار کو  
دلش را چون فلک زیر و زبر کرد  
ز شاخ‌های بقا بعد از این چه بهره برم  
که اندر خاک می‌جویند ایام جوانی را

۸۳- در بیت «اگر به می‌کده منصور بگذرد داند

- ۱) آرایه‌های ادبی زیر، به جز ..... وجود دارد.
- ۱) تلمیح
- ۲) کنایه

که هرکه هست در او، چند مرده حلاج است» همه

- ۳) ایهام تناسب
- ۴) تشبیه

۸۴- در همی ابیات به جز بیت..... آرایه‌ی متناقض‌نما وجود دارد.

- ۱) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست
  - ۲) بازار گل فروش ندارد غم کسساد
  - ۳) ما هیچ متاعان خجل از قدر رواجیم
  - ۴) با سر زلف تو مجموع، پریشانی دل
- کی طمع در گردش گردون دون پرور کنم؟  
یعسنی رواج گریه‌ی ما کم نمی‌شود  
در کشور ما رونق بازار کسادی است  
کو مجالی که یکایک همه تقریر کنم؟

۸۵- در کدام بیت اسلوب معادله به کار رفته است؟

- ۱) در این بهار چنان روزگار افسرده است
- ۲) حسن بیان مجوی ز ما دل شکستگان
- ۳) بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود
- ۴) لازم پیری است صائب، برگریزان حولس

که غیر شمع، گلی هیچ‌کس به سر نزند  
از کاسه‌ی شکسته نخیزد صدا درست  
پسته‌ی بی‌مغز چون لب وا کند رسوا شود  
پیش‌ره نتوان گرفتن لشکر بشکسته را

۸۶- در کدام بیت، همی آرایه‌های «جناس، استعاره، کنایه و تشبیه» موجود است؟

- ۱) آن کس که سر به جیب قناعت فرو نبرد
  - ۲) مهمان سراسر است خانه‌ی دنیا که اندر او
  - ۳) گفتم ببینمش مگرم درد اشتیاق
  - ۴) گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟
- بگمذارتا به چاه مذلت فرورود  
یک روز این بیاید و یک روز او رود  
ساکن شود، بدیدم و مشتاق تر شدم  
اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

۸۷- در کدام بیت تشخیص (Personification) مشهود نیست؟

- ۱) این سر به مهر نامه بدان مهربان رسان
  - ۲) ای صبح دم، ببین که کجایم فرستم
  - ۳) یاد صبادروغ زن است و تو راست گوی
  - ۴) دست هوا به رشته‌ی جان‌بر، گره زده‌ست
- کس را خیر مکن که کجایم فرستم  
نزدیک آفتاب و فامی فرستم  
آن جابه رخم باد صبامی فرستم  
نزد گره‌گشایی هوا می‌فرستم



۸۸- در کدام بیت، همهی آرایه‌های «تشبیه، مراعات نظیر و تضاد» موجود است؟

- ۱) ای صاحب کرامت، شکمرانه‌ی سلامت
- ۲) آسایش دو گیتی، تفسیر این دو حرف است
- ۳) سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد
- ۴) دل می‌رود ز دستم، صاحب دلان خدا را

۸۹- در کدام بیت، آرایه‌ی حسن تعلیل، وجود دارد؟

- ۱) همیشه تا برآید ماه و خورشید
- ۲) اگر چه تلخ باشد فرقت یار
- ۳) کسی که سبزتر است از هزار بار بهار
- ۴) بشمکن دل بی‌نوی ما را ای عشق

۹۰- در کدام عبارت آرایه‌ی متناقض‌نما، مشهود است؟

- ۱) شب کویر، این موجود زیبا و آسمانی که مردم شهر نمی‌شناسند. آنچه می‌شناسند شب دیگری است.
- ۲) صدای سایش بال‌هایش تنها سخنی است که سکوت ابدی کویر را نشان می‌دهد و آن را ساکت‌تر می‌نماید.
- ۳) ماوراءالطبیعه را- که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند- در کویر به چشم می‌توان دید.
- ۴) خیال- این تنها پرنده‌ی نامرئی که آزاد و رها همه جا جولان دارد- سایه پروازش تنها سایه‌ای است که بر کویر می‌افتد.

۹۱- در کدام بیت، آرایه‌ی کنایه، حسن آمیزی و مراعات نظیر وجود دارد؟

- ۱) دل چاشنی گرفت از آن خنده‌های شور
- ۲) گلزار خود ز سبزه‌ی بیگانه پاک کن
- ۳) زاهد چرا شکست دل من به سنگ طعن
- ۴) آنچه اول غرق گردد کشتی امید ماست

۹۲- در بیت «دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم

زیر به جز آرایه‌ی ..... وجود دارد.

- ۱) تناسب
- ۲) کنایه

- ۳) تشبیه
- ۴) حسن تعلیل

۹۳- در مصراع «کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق» کدام آرایه ادبی وجود ندارد؟

- ۱) تشبیه
- ۲) تشخیص
- ۳) کنایه
- ۴) مراعات نظیر

۹۴- در کدام بیت «جناس تام» هست؟

- ۱) یا دل به ما دهی چو دل ما به دست تست
- ۲) ای برق اگر به گوشه‌ی آن بام بگذری
- ۳) ای مرغ اگر پری به سر کوی آن صنم
- ۴) بار آید کز صبوری و دوری بسوختم

- ۱) یا مهر خویشتن ز دل ما بدر پری
- ۲) آنجا که باد زهره ندارد خبر پری
- ۳) پیغام دوستان برسانی بدان پری
- ۴) ای غایب از نظر که به معنی برابری

۹۵- در کدام بیت، هر سه آرایه‌ی استعاره، تشبیه و تناسب موجود است؟

- ۱) در ره تو جان و دل کردم فدا
- ۲) چو شانه تا که بیایی به زلف خویان جای
- ۳) سپهر دیده‌ام از دود آه ابری گشت
- ۴) شکنج زلف پریشان به دست باد مده

- ۱) مر مرا هم دل تو و مرهم تو بلش
- ۲) گره‌گشسا و هوادار هر پریشان بلش
- ۳) ز من گریز و مصون از نزول باران بلش
- ۴) مگو که خاطر عشاق گو پریشان بلش

۹۶- در کدام بیت هر دو آرایه‌ی، حسن آمیزی و متناقض‌نما به کار رفته است؟

- ۱) شیرینی گفتمار تو افکنند در آفاق
- ۲) گر ز گرمی دل، آهم سرد شد آری رواست
- ۳) با لبی و صد هزاران خنده آمد گل به باغ
- ۴) دلدار گفت لوح دل از نقش من بشوی

- ۱) شوری ز چه، زان روی که شهید است و نمک هم
- ۲) با دماغ خشکم آخر دیده تر باری چراست
- ۳) از کریمی گویا در گوشه‌ای بویی شنید
- ۴) گفتم که تلخ از آن لب شکرشان مگوی

۹۷- در کدام بیت تشبیه و جناس تام به کار رفته است؟

- ۱) داد عشاق بد، وقت خود از دست مده
- ۲) دل من بسته‌ی زنجیر سر زلف تو شد
- ۳) پاسخ تلخ تو و خنده‌ی شیرین با هم
- ۴) دوش سیلاب غمم تا به سر زانو بود

- ۱) وقت آن است که گیری سخن ما در گوش
- ۲) با گرفتار خود ای سست وفا سخت مکوش
- ۳) نوش در نیش نهان گشته و نیش اندر نوش
- ۴) امشب ای دوست چه تدبیر که بگذشت ز دوش

۹۸- در کدام بیت جناس تام به کار نرفته است؟

- ۱) دادگر آسمان که داد بشیر داد
- ۲) باری است سر بر دوش من خواهم فکندن بار من
- ۳) پادشاه به دست باشد اگر دل نهی به هیچ
- ۴) داد تسو را داد تسو که داد دهی تسو

- ۱) داد که تا خاک‌کیان رهنند ز بیداد
- ۲) باری چو باری می‌کشم بر دوش هم بار شما
- ۳) در معرضی که تخت سلیمان رود به باد
- ۴) گسر ندهی داد، داد از تسو کنند داد

۹۹- در کدام بیت، آرایه‌ی حسن آمیزی مشهود نیست؟

- ۱) تلخ منشین شراب اگر داری
- ۲) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
- ۳) رخ شاه کاووس پر شرم دید
- ۴) ما گر چه مرد تلخ شنیدن نه‌ایم لیک

- ۱) شور کم کن کباب اگر داری
- ۲) ثبت است بر جریده‌ی عالم دوام ما
- ۳) سخن گفتنش با پسر نرم دید
- ۴) تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است

۱۰۰- در همهی ابیات به جز بیت ..... اسلوب معادله به کار رفته است.

- ۱) دخل بی‌جا ندهد غیر خجالت اثری
- ۲) در سخن گفتن خطای جاهلان پیدا شود
- ۳) بیبا و ساز سفر ساز و زاد ره بر گیر
- ۴) سیل از کشور ویرانه تهی دست رود

- ۱) تیسر کج باعث رسوایی تیرانداز است
- ۲) تیسر کج چون از کمان بیرون رود رسوا شود
- ۳) که عاقبت برود هر که از مادر زاد
- ۴) بساده با مردم غافل چه تواند کردن؟

۱۰۱- در بیت «آهی روان به کشور بلیس کرده‌ام / است؟»  
(۱) تضاد، ایهام (۲) تشبیه، تناسب (۳) تلمیح، جناس (۴) تشخیص، تشبیه

۱۰۲- در کدام بیت، آرایه‌های حسن آمیزی، متناقض‌نما، اسلوب معادله و مراعات‌نظیر مشهود است؟  
(۱) دو چشم باز نهاده نشستام همه شب  
(۲) به جای سرو بلند ایستاده بر لب جوی  
(۳) حلاوت سخن تلخ را ز عاشق پرس  
(۴) به دوستی که اگر زهر باشد از دستت

۱۰۳- در مصراع اول کدام بیت، همه‌ی آرایه‌های کنایه، استعاره و تشخیص به کار رفته است؟  
(۱) آواز عاشقانه‌ی ما در گلو شکست  
(۲) ای داد، کس به داغ دلِ بلاغ، دل نداد  
(۳) «بادا» مباد گشت و «مبادا» به باد رفت  
(۴) آن روزهای خوب که دیدیم خواب بود

۱۰۴- در همه‌ی ابیات به‌جز بیت..... آرایه‌ی متناقض‌نما مشهود است.  
(۱) بیدل این کم‌همتان بر عز و جاه  
(۲) لاله و گل زخمی خمیازه‌اند  
(۳) داغ دلم چو لاله به مرهم نمی‌رسد  
(۴) کام، آشنا به ماحضر روزگار نیست

۱۰۵- در کدام بیت آرایه‌ی حسن آمیزی مشهود نیست؟  
(۱) دولت فقر خدایا به من ارزانی دار  
(۲) صد می‌کده خون بیش کشیده است لب من  
(۳) بی چشمه‌ی نوشی نشود ناله گلسوز  
(۴) نشئه‌ی دیدار ساقی روتو مسنی شکست

۱۰۶- در همه‌ی ابیات به‌جز بیت..... آرایه‌ی اسلوب معادله وجود دارد.  
(۱) سیری ز مال نیست تهی چشم حرص را  
(۲) قطع امید کرده نخواهم نعیم دهر  
(۳) آخر نه دل به دل رود انصاف من بده  
(۴) لعل را گر مُهر نبود بباک نیست

۱۰۷- کدام یک از ویژگی‌های شعر کلاسیک در منظومه‌ی «می‌تراود مهتاب» دیده نمی‌شود؟  
(۱) قافیه (۲) ردیف (۳) وزن عروضی (۴) تساوی مصراع‌ها

۱۰۸- در کدام بیت، همه‌ی آرایه‌های کنایه، تشبیه و تلمیح وجود دارد؟

(۱) با آن که آب دیده‌ام از سرگذشت باز  
(۲) نازم خیال خاتم لعلت که همچو جم  
(۳) گفتم به چشم عقل نیفتم به چاه عشق  
(۴) در وعده‌گاه وصل تو جانم به لب رسید

۱۰۹- در کدام ابیات، آرایه‌ی متناقض‌نما، به کار رفته است؟

الف - از آن زمان که زمین بوس آستان توام  
ب - میان جمع، پریشان شاهده‌ی شده‌ام  
ج - به یاد کاکل پرتاب و زلف پرچینش  
د - مهی که راز من از پرده آشکارا کرد  
ه - عجب مدار که در عین درد خاموشم  
و - مگر به یاد لب‌ت باده می‌دهد ساقی  
(۱) الف - ب - د (۲) الف - ج - ه (۳) ب - د - ج (۴) ه - ج - و

۱۱۰- در بیت زیر، کدام آرایه وجود ندارد؟

«رسید باد صبا غنچه در هواداری / (۱) تشخیص (۲) تلمیح (۳) کنایه (۴) استعاره»  
ز خود برون شد و بر تن درید پیراهن

۱۱۱- در کدام بیت آرایه‌های «تشبیه، جناس، کنایه و مراعات‌نظیر» به کار رفته است؟

(۱) از رهگذر خاک سر کوی شما بود  
(۲) پیرانه سرم عشق جوانی به سر افتاد  
(۳) دردا که از آن آهوی مشکین سیه چشم  
(۴) بس تجربه کردیم در این دیر مکافات

۱۱۲- در کدام بیت، همه‌ی آرایه‌های «تشخیص - ایهام - استعاره - کنایه» وجود دارد؟

(۱) زنده کنند و باز پر و بال نو دهند  
(۲) گل را مدد رسید ز گلزار روی دوست  
(۳) امروز روز شادی و امسال، سال گل  
(۴) جامه دران رسید گل از بهر داد ما

۱۱۳- در بیت «بستون کندان فرهاد نه کاری است شگفت / ادبی یافت می‌شود؟»  
شور شیرین به سر هر که فتد کوه‌کن است، کدام آرایه

(۱) تلمیح، کنایه، اسلوب معادله  
(۲) ایهام تناسب، تلمیح، تضاد  
(۳) تضاد، کنایه، حسن تعلیل  
(۴) پارادوکس، کنایه، ایهام تناسب

۱۱۴- در کدام بیت آرایه‌ی متناقض نما وجود دارد؟  
۱) دوست می‌دارمت به بانگ بلند  
۲) ما را ز هم جدا کرد ایام و نه ما را  
۳) آتش سردی که بگدازد درون سنگ را  
۴) ما و دشمن دوستی، این رسم، رسم تازه‌ای است

۱۱۵- آرایه‌های بیت «مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو  
۱) استعاره - مجاز - کنایه - ایهام  
۳) تشبیه - کنایه - ایهام - تضمین

۱۱۶- در کدام بیت اسلوب معادله وجود ندارد؟  
۱) هر که دل پیش دلبری دارد  
۲) حریص را نکند نعمت دو عالم سیر  
۳) نخواهد آتش از همسایه هر کس جوهری دارد  
۴) اقبال خصم هر چه فزون تر شود نکوست

۱۱۷- آرایه‌های بیت زیر کدام است؟  
«در عرضگه عشقش فتنه سپه انگیزد  
۱) ایهام، مجاز، استعاره، جناس  
۳) تشخیص، تشبیه، مراعات نظیر، ایهام

۱۱۸- کدام گروه آرایه‌های ادبی، در بیت زیر به کار رفته است؟  
«باران اشکم می‌دود و ز ابرم آتش می‌جهد  
۱) تشبیه، استعاره، کنایه، تضاد  
۳) مراعات نظیر، استعاره، اسلوب معادله، تضاد

۱۱۹- کدام گروه از آرایه‌های ادبی در بیت زیر به کار رفته است؟  
«صبا ای کلش می‌گفتی بدان آهوی مشکین مو  
۱) مجاز - تشبیه - تناقض  
۳) تشخیص - مراعات‌النظیر - مجاز

۱۲۰- در کدام بیت آرایه‌ی جناس تام وجود ندارد؟  
۱) نرگس افسون‌گرش آهو شده  
۲) گسر چین سر زلف تو مشاطه گشاید  
۳) مشو دل‌بسته‌ی هستی که دوران  
۴) گرچه سر عربده و جنگ داشت

۱۲۱- در بیت: «بر در خانه منم ای مه و ای مشتری  
یافت می‌شود؟  
۱) تشبیه - کنایه - تکرار - ایهام  
۳) جناس - تشخیص - ایهام - حس آمیزی

۱۲۲- آرایه‌ی استعاره در کدام بیت بیش تر است؟  
۱) هر کجا نقاش نقش قامت و لعلش کشید  
۲) به خنده از لب خود پُر شکر کنی دامن  
۳) به چون تو محتشمی بی‌بها سخن ندهم  
۴) چون بگویی بفشانی گهر از حقه‌ی لعل

۱۲۳- در بیت زیر، کدام گروه آرایه‌های ادبی، وجود دارد؟  
«فصل گل گر اشک گلگونت ز سر خواهد گذشت  
۱) مجاز - تشبیه - ایهام - جناس  
۳) کنایه - مجاز - تشبیه - اغراق

جمله منم تو شده گشته من از من بری»، کدام آرایه‌های ادبی  
۲) کنایه - جناس - تکرار - استعاره  
۴) تشبیه - مراعات‌النظیر - کنایه - مجاز

جلوه‌ی طوبی نگر، سرچشمه‌ی کوثر بین  
مرا چو چشم دراندازد از گریبان دُر  
بله ز لعل شکریمار قسند و بستان دُر  
چون بخندی بنمایی ز شکر مروارید

گل به سر خواهی زدن از گلبن بستان عشق»  
۲) اغراق - جناس - تشخیص - تضاد  
۴) مراعات نظیر - متناقض نما - کنایه - استعاره

تاکی آهسته و نهان گفتن  
با دولت وصالمت خوش بود روزگاری  
هر که را بودست آه سرد می‌داند که چیست  
ور نه هر مو بر تن ایام دشمن، دشمن است

یادم از کشته‌ی خویش آمد و هنگام درو» کدام است؟  
۲) تشبیه - استعاره - تلمیح - مراعات نظیر  
۴) تلمیح - کنایه - حسن تعلیل - مراعات نظیر

ریش در دست دیگری دارد  
همیشه آتش سوزنده اشتها دارد  
چنار از سینه خود می‌کند ایجاد آتش را  
فواره چون بلند شود سرنگون شود

در رزمگه زلفش گردون سپر اندازد»  
۲) تشبیه، کنایه، مجاز، جناس  
۴) استعاره، کنایه، تشبیه، مراعات نظیر

با پختگان گوی این سخن سوزش نباشد خام را»  
۲) تشبیه، پارادوکس، اسلوب معادله، ایهام  
۴) مراعات نظیر، تشبیه، پارادوکس، ایهام

که بعد از رام گردیدن خطاکاری است رم کردن»  
۲) تشخیص - کنایه - استعاره  
۴) مراعات‌النظیر - کنایه - تشبیه

مستی آهویش آهو شده  
عطار به یک جو نخرد نافه‌ی چین را  
هر آن را زاد، زاد از بهر کشتن  
تسنگ شکر در دهن تنگ داشت

مای دارس  
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir



## پاسخ:

۱- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. قطعه: ابیاتی هستند هموزن که فقط مصرعهای دوام ابیات، با همدیگر هم قافیه هستند یا به بیان دیگر، ابیاتی هستند هموزن بدون مطلع مصرع. کمترین قطعه دو بیت و بیشترین آن پنجاه یا شصت بیت است. قطعه در مسایل اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و ادبی سروده می‌شود. شاعرانی همچون انوری، ابن یمن، پروین اعتصامی و سعلی در این قالب شعر سرودند. وجه تسمیه قطعه بدان جهت است که قسمت یا قطعه‌ای از قصیده می‌باشد.

۲- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. وقتی شاعری در ضمن شعر خود، بیت یا مصرعی از شاعر دیگر را می‌آورد، برای اینکه بوی سرقت ندهد نام یا شهرت و لقب شاعر را قبل از شعر تضمینی می‌آورد و بیت تضمین شده را در داخل گیومه قرار می‌دهد تا رعایت امانت‌داری را به جا آورده باشد.

۳- پاسخ صحیح، گزینه ۴ است، زیرا بین کلمات «نباید و نشاید» سجع متوازی به کار رفته است لازم به ذکر است که بین «نباید و نشاید» جناس مضارع و لاحق است نه جناس تام.

۴- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. قطعه در مسایل اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و ادبی سروده می‌شود کمترین قطعه دو بیت و بیشترین آن پنجاه تا شصت بیت است، شاعرانی چون، انوری، ابن یمن، سعلی و پروین اعتصامی از قطعه سرایان مشهور هستند.

۵- پاسخ صحیح، گزینه ۳ است، زیرا در بیت، کلمات «امیدی، نامیدی» و «سپه و سپید» متضاد می‌باشند.

۶- گزینه ۴ پاسخ صحیح است، زیرا مثنوی ابیاتی هستند هموزن که هر بیت آن، قافیه‌ی جداگانه دارد و برای سرودن داستان‌های طولانی مناسب است.

۷- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. صنعت تضاد (طباق): به کار بردن کلماتی که از جهت معنی خلاف هم باشند مانند شب و روز، خوب و بد، زشت و زیبا و ...

«پایان شب سپید است». در جمله فوق، دو کلمه سیاه و سپید از نظر معنایی با هم در تضادند، بنابراین داری صنعت تضاد می‌باشد.

۸- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. باباظهر از سراینده‌های دوبیتی قرن پنجم است. دوبیتی‌های عرفانی باباظهر که به لهجی گری است، زبانزد خلص و عام است. دوبیتی، قالب شعری است که مصرع‌های اول و دوم و چهارم با همدیگر هم قافیه‌اند. دوبیتی با هجای کوتاه شروع می‌شود و رعایت قافیه در مصرع سوم الزامی نیست.

۹- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ردیف: عبارتست از کلمه یا کلماتی که در آخر دو مصرع یک بیت یا فقط در آخر مصرع‌های دوم یک شعر، به یک صورت و به یک معنی بکار رفته باشد. در سؤال فوق نیز کلمات «باشی» که در آخر دو مصرع آمده، تنها به یک «صورت» بوده و به یک «معنی» بکار رفته‌اند. لذا این کلمه ردیف است.

تذکر: اگر کلمات در آخر مصرع‌ها به یک شکل نوشته شود، ولی معنای آنها متفاوت باشد قافیه است نه ردیف و ضمناً در آن کلمات آرایه جناس تام هم به کار رفته است.

۱۰- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «بوستان» را که مثنوی حکمی و اخلاقی است، سعلی شیرازی در سال ۶۵۵ (قرن هفتم) سرود. از کتابهای دیگر این شاعر «گلستان» است که به نثر مسجع و مشتمل بر حکایات آموزنده و اشعار نغز است.

۱۱- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «اسرارنامه»، «الهی‌نامه» و «مصیب‌نامه» از عطار و در قالب مثنوی می‌باشد، اما «مختارنامه» رباعیات عطار است. لازم به ذکر است که «الهی‌نامه» منظوم، اثر عطار می‌باشد و «الهی‌نامه» مثنوی، اثر خواجه عبدالله انصاری است.

۱۲- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. کلمه غزل به معنی سخن عاشقانه است، غزل به موضوع خاصی اختصاص ندارد، تعداد ابیات آن اساساً بین پنج تا پانزده بیت است. قافیه‌های غزل در مصرع اول و مصرع‌های زوج آن قرار دارد. غزل معمولاً در عشق و عاشقی، مسایل اجتماعی و گاهی وصفی می‌آید.

قصیده از نظر قافیه مانند غزل است اما تعداد ابیات آن از پانزده بیت بیشتر است و در موضوعات مدح، ستایش و وصف آورده می‌شود.

در قطعه، قافیه در مصرع‌های زوج می‌آید. قطعه در مسایل اخلاقی، سیاسی و اجتماعی آورده می‌شود. کمترین قطعه دو بیت است.

۱۳- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در صنایع لفظی، تناسب‌ها از لحاظ ظاهر و الفاظ است، که در جناس چنین مطلبی وجود دارد. برای مثال جناس «باد و یاد» که به لحاظ حرف اول با هم فرق دارند.

۱۴- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. رجوع شود به فهرست کتاب آرایه‌های ادبی

۱۵- گزینه ۴ پاسخ صحیح است، زیرا جناس، آوردن دو یا چند کلمه است که لفظاً یکی و دارای دو معنی مختلف باشند.

کوی - کوی: هر دو به معنی محله، برزن و شاهراه

شوی - شوی: به ترتیب: شوهر - فعل امر یا بن مضارع از شستن

جوی - جوی: نهر آب - فعل امر یا بن مضارع از جستن

روی - روی: چهره - نوعی فلز

۱۶- پاسخ صحیح گزینه ۱ است. فن بیان، فنی است که به وسیله آن، آوردن یک معنی به طریق مختلف شناخته شود و برای بیان مقصود نویسنده می‌باشد، ممکن است برخی از مطالب بیان شده واضح و یا پوشیده باشد و گاه معنی را از راه تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه می‌سازد.

۱۷- صنعت «تضاد یا طباق» به معنی آوردن کلماتی است که از نظر معنی با یکدیگر متضاد باشند. در گزینه ۱، «خس و

خار» با «گل و سوسن» تضاد دارد. در گزینه ۲، «بیگانه» و «آشنا» به یکدیگر متضادند و در گزینه ۴، «نو» و «کهنه» با یکدیگر تضاد دارند. اما در گزینه ۳، چنین تضادی مشاهده نمی‌شود. بنابراین گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

۱۸- در ترکیب «آتش عشق»، «عشق» (مشبه) در سوز داشتن (وجه شبه) به «آتش» (مشبه به) تشبیه شده است. بنابراین عشق و آتش، «مشبه» و «مشبه به» می‌باشند و وجه شبه (سوزاندن) در فعل جمله (بسوخت) ذکر شده است. اما ادت تشبیه، ذکر نشده است. بنابراین گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

۱۹- پاسخ صحیح گزینه (۴) است.

در گزینه (۱) طاعت، معصیت / در گزینه (۲) شب و روز / در گزینه (۳) طاعت و معصیت، صنعت طباق (تضاد) به کار رفته است.

طباق (تضاد): آن است که دو کلمه از لحاظ معنی یا مفهوم با هم متضاد باشند.

۲۰- پاسخ صحیح گزینه (۲) است. در این بیت ، اسفندیار (مشبه) حذف شده است. پلنگ (مشبه به) ، بسان (ادات تشبیه) ، برانگیختن شور از اسب یا گورخر (وجه شبه) .

مشبه : کلمه تشبیه شده را مشبه گویند.

مشبه به : کلمه تشبیه شده به آن را مشبه به گویند.

وجه شبه : دلیل شباهت یا وجه اشتراک مشبه و مشبه به را وجه شبه گویند.

ادات تشبیه : وسیله یا ابزار تشبیه را ادات تشبیه گویند. بسان ، مثل ، مانند ، به کردار و ...

۲۱- در این بیت، شاخه‌های نارنج به شراره‌هایی که از سوختن هیزم پدیدار می‌شوند، تشبیه شده است. بنابراین صنعت تشبیه بکار رفته و گزینه ۳ صحیح می‌باشد.

۲۲- «جهان دل نهاده» یعنی مردم جهان دل نهاده‌اند. پس جهان مجازاً به معنی مردم جهان بکار رفته است. گزینه ۴ صحیح می‌باشد.

۲۳- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. زیرا دو کلمه «کنار - کنار» در معنی متفاوت به کار رفته است. در مصراع اول به معنی «ساحل و کرانه» و در مصراع دوم به معنی «آستان، درگاه، ساحت و جوار حضرت حق» است.

جناس تام : از آرایه‌های لفظی است و آوردن کلماتی که از لحاظ شکل یکی و در معنی متفاوت باشند، می‌باشند.

۲۴- پاسخ صحیح گزینه ۱ است، زیرا «سرو» استعاره از «قد» گرفته شده است. «سرو» مشبه به و «قد» مشبه است که یکی از این دو رکن اصلی «مشبه به» به کار رفته و تبدیل به استعاره شده است، «قد چون سرو خمیده گشت».

استعاره: عاریه گرفتن چیزی از چیز دیگر به دلیل شباهت است که در استعاره یکی از دو رکن اصلی تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) آورده می‌شود.

۲۵- شیرینی در این مصراع دارای دو معنی است، یکی حلاوت و دیگری معشوقه فرهاد است. پس شیرینی در این بیت دارای صنعت ایهام می‌باشد و گزینه ۱ صحیح است. ایهام به معنی به وهم و گمان افکندن است و در علم بدیع بکاربردن کلمه‌ای است که در جمله دو معنی مناسب داشته باشد.

۲۶- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در ترجیع‌بند، یک بیت در میان بندها تکرار می‌شود که بدان برگردان نیز گفته می‌شود، بنابراین اوصاف گفته شده در گزینه ۴، مربوط به ترجیع‌بند می‌شود.  
\* در ترکیب بند، بیت‌های مختلفی میان بندها می‌آید.

۲۷- گزینه ۱ پاسخ صحیح است، زیرا دو معنی ظاهری و باطنی دارد و هدف، معنی باطنی آن می‌باشد و کنایه می‌باشد.

۲۸- پاسخ صحیح گزینه ۲ است. در گزینه ۱ درخشید و تیره ماند ، در گزینه ۳ نهان و پدید ، در گزینه ۴ نشیب و فراز متضاد یکدیگرند ولی در گزینه ۲ کلمات متضاد وجود ندارد.

۲۹- در این بیت کلمه «احسان» مشبه است و «کمند» مشبه‌به می‌باشد، یعنی احسان به کمند تشبیه شده است. بدین ترتیب می‌توان گفت: «احسان از نظر بردن (جاذبه) مانند کمند است.» پس گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

۳۰- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در این بیت کلمات «زبان» و «کمان» قافیه می‌باشند.

۳۱- «خرده مینا» در این عبارت استعاره است، از سبزه‌ها و گل‌هایی که در بوستان روییده‌اند. پس گزینه ۱ پاسخ صحیح است. استعاره نوعی تشبیه است که یکی از طرفین تشبیه حذف شده باشد.

\* استعاره یعنی بکار بردن کلمه‌ای به جای کلمه دیگر به دلیل شباهت آنها و استعاره مجاز مبتنی بر تشبیه است.

۳۲- با آوردن اجزای تشبیه در جای صحیح خود، خواهیم داشت: «اگر عشق مثل آتش پرهای تو را بسوزاند ...» همانگونه که مشاهده می‌شود، ادات تشبیه (مثل) حذف شده است و سایر ارکان تشبیه موجود می‌باشند. پس گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

۳۳- پاسخ صحیح، گزینه ۴ است. بیت اول «قطعه» مصرع نیست، بنابراین قطعه نمی‌تواند باشد، گرچه در مثنوی هر بیت قافیه جداگانه دارد، اما معمولاً از مثنوی برای بیان مطالب طولانی و داستان‌های بلند استفاده می‌شود که بیش از ده بیت می‌باشند. قصیده نیز معمولاً بیش از پانزده بیت دارد.

۳۴- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه ۲، «ازمن» (به معنی زمانها) و «من» قافیه هستند. در سایر گزینه‌ها «من» ردیف است و قافیه‌ها عبارتند از: «آواز و همراز»، «الحان و ریحان» و «زیرکسار و اسرار».

۳۵- در گزینه ۴، منظور از «دیو»، دیو نفس می‌باشد که استعاره است، اما در سایر گزینه‌ها، عبارات «باران اشک، ظلمت جهل و دیو نفس» دارای صنعت تشبیه می‌باشند. بنابراین گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

۳۶- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه چهارم، ادات تشبیه (مثل ، مانند) وجود ندارد، پس ارکان تشبیه را به طور کامل شامل نمی‌شود، درحالی‌که در ۳ گزینه اول، هر چهار رکن اصلی تشبیه وجود دارد.

مشبه	مشبه به	وجه شبه	ادات تشبیه
گزینه ۱	پیگر عربان دهقان	مرغ نیم بسمل	لرزیدن
گزینه ۲	نسیم	دم عیسی	جان بخشیدن
گزینه ۳	مادر دانا	فرشته	سایه گستر بودن

۳۷- «رود» در مصراع اول به معنی رودخانه است و در مصراع دوم «نوعی ساز» می‌باشد، پس دارای جناس تام است و گزینه ۲ صحیح است. «جناس» در اصطلاح ادبی به معنی آوردن دو یا چند کلمه است که از لحاظ ظاهری یکسان یا نزدیک به هم باشند ولی دارای معنی مختلفی باشند.

۳۸- گزینه ۱ پاسخ صحیح است، زیرا در سایر گزینه‌ها نوعی ایجاد جان و انسان‌نمایی (تشبیه به انسان و نسبت دادن رفتارهای انسانی به یک موجود بی‌جان) وجود دارد.

۳۹- گزینه ۳ پاسخ صحیح است، زیرا دیوان کبیر یا دیوان شمس، در قالب غزل است ولی سایر گزینه‌ها در قالب مثنوی می‌باشند.

۴۰- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در همه گزینه‌ها به جز گزینه ۱، نوعی از سجع به کار رفته است. سجع عبارت است از به کار بردن کلمات هم‌آهنگ در آخر جمله‌ها و عبارات.

- ۴۱- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است، زیرا سایر گزینه‌ها ترکیب اضافی تشبیهی هستند که در آنها مشبه وجود دارد و حذف نشده است، اما در گزینه ۳، مشبه که چمن است، محذوف است و فرش زمردین به جای آن نشسته است.
- ۴۲- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «مادر»، مشبه، «ستاره صبح» مشبه به و «از نظر ناپدید شدن علی‌رغم کوشش بسیار»، وجه شبه می‌باشد. اما ادات تشبیه در این تشبیه وجود ندارد و محذوف است.
- ۴۳- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مجاز در اصطلاح فنّ بیان، استعمال لفظ در غیر معنای حقیقی آن است در مجاز باید قرینه (نشانه) و علاقه باشد که علاقه آن جزئی یا کلیه یا سببیه یا محلیه و ... می‌باشد.  
مثال: جهان دل نهاده بر این داستان همان بخردان و همان راستان  
مجاز از مردم جهان  
که (جهان) مجاز می‌باشد و از کلمه دل نهادن، که نشانه (قرینه) می‌باشد پی می‌بریم که منظور مردم جهان است.
- ۴۴- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. استعاره در لغت به معنی عاریه گرفتن است، در علم بدیع و فنّ بیان، نوعی مجاز است که لفظی را به دلیل شباهت بسیار در یکی از صفات به جای لفظ دیگر به کار ببرند تبدیل به استعاره می‌شود. استعاره در اصل، نوعی تشبیه است، که در آن تشبیه به فراموشی سپرده شده است.
- ۴۵- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اگر نویسنده یا شاعر در ضمن کلام خود، به انشای بی‌جان، گله‌ها، پرندگان و غیر انسان، صفت، حالات، ویژگیها و شخصیت انسانی ببخشد، به آن تشخیص یا تشخص و یا آدم‌نمایی می‌گویند. در بیت اول، خروش برآوردن را - که صفت انسانی است - به تارها نسبت داده است. در بیت دوم، شاپاش ریختن را - که ویژگی انسانی است - به آسمان نسبت داده است در بیت چهارم، رخت کشیدن (انتقال اثاث خانه) - که کار انسان است - به سبزه نسبت داده شده و در مصراع دوم، خیمه بر پا کردن - که کار انسان است - به گل نسبت داده شده است بدین ترتیب می‌بینیم در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ تشخیص به کار رفته است ولی در گزینه ۳ هیچ‌گونه صفت انسانی به غیر جاندار داده نشده است.
- ۴۶- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ جزء آرایه‌های لفظی هستند. عوامل پدید آورنده موسیقی لفظی را آرایه‌های لفظی گویند. اسباب خلق کننده موسیقی معنوی را آرایه معنوی می‌نامند.
- ۴۷- گزینه ۲ پاسخ صحیح است، چون مطلع آن دارای دو مصراع هم‌قافیه نیست.  
قطعه: شعری است که در آن، فقط مصراعهای زوج باهم، هم‌قافیه می‌باشند یا به بیان دیگر ابیاتی هستند بدون مطلع مصراع، و در موضوعات اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و ادبی می‌باشند حداقل قطعه دو بیت و حداکثر آن پنجاه تا شصت بیت می‌باشد. شاعرانی همچون ابن یمن، انوری، سعدی و پروین اعتصامی در این قالب شعر سرودند.
- ۴۸- گزینه ۴ پاسخ صحیح است، زیرا «غم و اندوه» در سنگینی جانکاهی به «بار» تشبیه شده و به صورت یک اضافه درآمده است. در گزینه ۱، «غم دل» اضافه تخصیصی است. برای تشخیص اضافه تخصیصی می‌توانیم از این فرمول استفاده نماییم که در صورت داشتن معنی، اضافه تخصیصی است.  
مثال: این + مضاف + مخصوص + مضاف الیه + است  
این + غم + مخصوص + دل + است  
در گزینه‌های ۲ و ۳ «دوش ناله» و «دست شکوه» هر کدام یک اضافه استعاری است در اضافه استعاری، مشبه به حذف می‌شود و یکی از لوازم «مشبه به» با «مشبه» به صورت یک اضافه آورده می‌شود.  
به عنوان مثال: دست شکوه ← شکوه را به یک انسانی تشبیه کرده که دست دارد که «انسان» آورده نشده ولی لوازم آن ذکر شده است. در اضافه استعاری بار معنی روی مضاف‌الیه (مشبه) است.

۴۹- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه ۱، دو کلمه «نیاید و بلایید» و در گزینه ۳، دو کلمه «لامت و کرامت» سجع متوازی هستند. در گزینه ۴ دو کلمه «می‌ریزند و می‌آمیزند» سجع مطرف هستند. ولی در گزینه ۲ هیچ سجوی به کار نرفته است.

۵۰- گزینه ۴ پاسخ صحیح است.  
در گزینه ۱ به «ایران» مثل یک انسان زنده روح بخشیده و سپس به زندان افکنده شده است.  
در گزینه ۲ به «بوته‌ها، خطها و اسلیمی‌ها» صفت «سخن گفتن» را بخشیده است.  
در گزینه ۳ به «اصفهان» صفت انسانی، «از خواب بیدار شدن» را بخشیده است.  
ولی در گزینه ۴ عناصر طبیعت، درختها و میوه‌ها، ویژگی معمول خود را دارند و از آرایه تشخیص استفاده نشده است.

۵۱- گزینه ۱ پاسخ صحیح است، زیرا عمل رویدن برای گل یک عمل طبیعی و معمولی است. در گزینه ۲، ۳ و ۴، جامه بر تن دریدن، لب به خنده باز کردن و از خشم سر بر چیزی کوفتن، همه ویژگیها و حالات انسانی محسوب می‌شوند و آرایه تشخیص دارد.

۵۲- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه ۱، «نظر» به «کمند» تشبیه شده است. در گزینه ۳، کلمه «چو» ادات تشبیه و «اشک و رنگ» مشبه به است. در گزینه ۴، «مذلت» به «چاه» تشبیه شده است.

۵۳- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بین کلمات یار، بار، خاطر و شاطر، آرایه ترصیع است. بین کلمات «یار، بار» جنس ناقص اختلافی است. بین کلمات «شاطر، خاطر» آرایه سجع متوازی است.  
ترصیع: کلمات قرینه‌ای که در دو جمله، با هم، هم‌وزن باشند و آخرین حرف آنها نیز یکسان باشد.  
جنس خط، جنسی است که دو کلمه از نظر نقطه‌گذاری متفاوت باشند مثل یار - بار

۵۴- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «لف» به معنی جمع کردن و پیچاندن و «نشر» به معنی پراکندن و گستردن می‌باشد و دو نوع می‌باشد: ۱- مرتب ۲- مشوش. لَفّ و نشر هم در نظم می‌آید و هم در نثر. مثال (لَفّ و نشر مرتب):

خور و خواب و خشم و شهوت، شغب است و جهل و ظلمت  
۱ ۲ ۳ ۲ ۱ ۳ ۲ ۱

۵۵- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه ۱، بین کلمات «نهان و پیدا» آرایه تضاد یا طباق است. در گزینه ۳، بین کلمات «صورت و سیرت» آرایه تضاد است. در گزینه ۴، بین کلمات «نعم و درویش» آرایه تضاد یا طباق است.  
تضاد یا طباق: اگر دو کلمه نسبت به هم معنی و مفهوم مخالف و متضاد داشته باشند، دارای صنعت تضاد است.

۵۶- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. سعدی در بیت «گر پای در دامن آری چو کوه سرت زآسمان بگذرد در شکوه» می‌گوید اگر همچو کوه، گوشه‌گیری کنی، به مقام و منزلت و شکوه می‌رسی. به نظر شاعر، کوه با گوشه‌گیری به بلندی و رفعت و شکوه رسیده است.

۵۷- گزینه ۳ پاسخ صحیح است، زیرا گله‌ها را به دهانهٔ بخوردانی تشبیه کرده که به سوی زمین خم شده‌اند بدین ترتیب از آرایه تشخیص استفاده نکرده است. در گزینه ۱، به «اختر شب» صفت انسانی، «سر خم کردن و شنیدن صدا» داده است. در گزینه ۲، به «دره» ویژگی انسانی «خوایدن» داده است. در گزینه ۴، به «چشمه‌سار» ویژگی انسانی «آواز خواندن و خاموش کردن» داده است.

تشخیص یا تشخیص یا آدم‌نمایی:

اگر نویسنده یا شاعر در ضمن کلام خود، به اشیای بی‌جان، طبیعت، گله‌ها، پرندگان و غیر انسان، صفت، حالات، ویژگی‌ها و شخصیت انسانی ببخشد، به آن تشخیص یا تشخیص و یا آدم‌نمایی می‌گویند.

۵۸- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه ۲، قرص خورشید را به چراغ نیم‌مرده و کم‌نور تشبیه کرده، اندک اندک روغن آن افزوده شود و نور و روشنایی آن بیشتر گردد. به کردار: ادات تشبیه، قرص خورشید: مشبه، چراغ نیم‌مرده: مشبه به. در گزینه ۳، قطره‌های باران را از آسمان، به ریزش گلبرگ‌های درختان به روی خاک، مانند کرده است. چنان‌چون: ادات تشبیه، قطرات باران: مشبه، ریزش گلبرگ‌های درختان: مشبه به، باریدن: وجه شبه. در گزینه ۴، گرد و خاکی که از روی بادیه برخاسته، جهان (گیتی) را مانند خز سیاه رنگ، تیره و تار نموده است. همچون: ادات تشبیه، گیتی: مشبه، خز ادکن: مشبه به، تیره و تار نمودن: وجه شبه.

۵۹- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. کلمات «گفتم - رفتیم» سجع متوازی است و کلمات آرمیده و رسیده سجع مطرف است. سجع: کلمات هماهنگی هستند که در آخر جمله‌های یک عبارت می‌آید. سجع در نثر به منزلهٔ قافیه است در شعر. سجع سه نوع است: ۱- متوازی ۲- متوازن ۳- مطرف.

سجع متوازی: دو کلمه در وزن و حرف پایانی یکسانند. مثل رسیده و کشیده.

سجع متوازن: دو کلمه در وزن یکسان ولی در حروف پایانی متفاوتند. مثل خام و خار.

سجع مطرف: دو کلمه در حروف پایانی یکسان و در وزن متفاوت است. مثل کار و شکار.

۶۰- پاسخ صحیح، گزینه ۴ است. نسبت دادن صفت و ویژگی یک حس به حس دیگر یا آمیختن دو حس از حواس را حس آمیزی می‌نامند. مثلاً: «سخن شیرین» که دو حس شنوایی و چشایی را در هم آمیخته است. در گزینه ۴ دو حس ادراکی (فیزی) و دیداری (آبی رنگ) با یکدیگر آمیخته شده است و یا اگر دروغی آبی رنگ باشد دو حس شنیداری (دروغ) و دیداری (آبی رنگ) با یکدیگر آمیخته شده است.

۶۱- پاسخ صحیح، گزینه ۱ است. زیرا «اکسیر عشق» اضافه تشبیهی است و دارای آرایه تشبیه است که عشق در کمال بخشیدن مانند اکسیر است. و در کلمه «مس» آرایه استعاره به کار رفته است زیرا هستی مادی و جسم بی‌ارزش آدمی را همچون «مس»، تیره و بی‌ارزش می‌داند که مشبه (هستی مادی و جسم بی‌ارزش آدمی) را حذف کرده و فقط مشبه به (مس) را آورده است و در نتیجه به استعاره تبدیل شده است.

۶۲- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مطلع قصیده‌ی فرخی سیستانی بدین گونه است:

«برآمد قیرگون ابری ز روی نیلگون دریا  
چو رای عاشقان گردان چو طبع بیدلان شیدا»

تضمین: آوردن آیه، حدیث، مصراع یا بیته از شاعری دیگر را در اثانی کلام تضمین گویند که با ایجاد تنوع سبب لذت خواننده می‌شود.

۶۳- پاسخ صحیح، گزینه ۱ است، زیرا به شب، صفت و ویژگی انسانی داده که گیسوان خود را (سیاهی خود را) به دامن (زمین) انداخته است. بنابراین از آرایهٔ تشخیص استفاده کرده است. معنی بیت: شبی که سیاهی خود را بر زمین گسترده است و فضایی تیره و تاریک دارد شبی با آسمانی تاریک و پر ستاره بود. شب: استعاره از زن، گیسو: استعاره از سیاهی شب، زلف، قیرینه گرز: کنایه از شبی پر ستاره، معجز: روسری - سر بند، فروهشته: گسترده.

۶۴- پاسخ صحیح، گزینه ۴ است. «جناس» بین کلمات «بریان - گریان» است که در حرف اول اختلاف دارند و جناس ناقص اختلافی است. «مجاز» در کلمهٔ «دشت» است که مجازاً «مردم دشت» می‌باشد. «تضاد» بین کلمات «خندان - گریان» می‌باشد.

۶۵- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. کلمات «لیلی، تسلی» قافیه هستند ولی باهم جناس نیستند، زیرا دو حرف اول آنها با همدیگر فرق دارند. در گزینه ۲، «قفا، وفا» هم قافیه و دارای جناس ناقص اختلافی هستند. در گزینه ۳، «جام، نام» هم قافیه و دارای جناس ناقص اختلافی هستند. در گزینه ۴، «دست، پست» هم قافیه و دارای جناس ناقص اختلافی هستند.

جناس ناقص اختلافی: کلماتی هستند که در یکی از حروف باهم اختلاف دارند.

۶۶- پاسخ صحیح، گزینه ۴ است، زیرا به خزان صفات و ویژگی انسانی داده است که ناز و تنعم کردن از خصوصیات آدمی است نه خزان.

۶۷- گزینه ۴ پاسخ صحیح سوال است. در این گزینه، آرایه تشبیه بلیغ در ترکیب «آتش عشق» وجود دارد. در گزینه ۱، «سر به سوی آسمان کردن گل»، در گزینه ۲، «سینه دریا» و در گزینه ۳، «بوسه زدن بر رخ ژاله بامدادی» دارای آرایه تشخیص اند.

۶۸- گزینه ۴ پاسخ صحیح سوال است. در این بیت شاعر، ناله را همچون انسانی می‌داند که چشم دارد و شاعر «مشبه» را آورده و «مشبه به» را ذکر نکرده، ولی به لوازم «مشبه به» که چشم باشد ذکر کرده است.

۶۹- گزینه ۳ پاسخ صحیح سوال است. در گزینه ۳، به «الاله» عمل انسانی که همان «چادر زدن» باشد، داده شده است.

۷۰- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در کلمه‌ی «بو» ایهام هست: ۱ - رایحه ۲ - امیدوارزو.

۷۱- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه ۱ (۲) ترکیبات «روی بخت، چهر عمر» اضافه‌ی استعاری هستند و چون مشبه آن انسان است که حذف شده بنابراین آرایه‌ی استعاره و تشخیص اند. ضمناً آرایه‌ی تشبیه دارد که شاعر خود را به اشک مانند کرده است. در گزینه ۳ (۳) ترکیبات «چشم ناله، روی شکوه» اضافه‌ی استعاری هستند چون مشبه به آن انسان است که حذف شده بنابراین آرایه‌ی استعاری و تشخیص اند ضمناً شاعر خود را به شکوفه‌ی اشک تشبیه کرده است و نیز «شکوفه‌ی اشک» اضافه‌ی تشبیهی است یعنی اشک به شکوفه مانند شده (آرایه‌ی تشبیه بلیغ) است در گزینه ۴ (۴) ترکیبات «دست شکوه و دوش ناله» تشخیص و استعاره هستند همان اضافه‌ی استعاری می‌باشند. و «بار غم» اضافه‌ی تشبیهی که همان آرایه‌ی تشبیه بلیغ است.

۷۲- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مصراع دوم کنایه از «مردن» است.

۷۳- گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. که شاعر از آرایه‌ی تضمین استفاده کرده است.

۷۴- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. دو مصراع در ظاهر هیچ ارتباطی ندارند ولی در معنی و مفهوم مصراع دوم برابر و مساوی با مصراع اول است. شاعر می‌گوید: همان گونه که دزد باهوش، اول چراغ خانه را خاموش می‌کند، عشق هم اول هوش و خرد خردمند را می‌گیرد.

۷۵- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. نگاه ← مشبه / مثل ← ادات تشبیه / خنجر ← مشبهه  
وجه شبه ← محذوف (بزنگی)

۷۶- گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی (۱)، (رزم و بزم) / در گزینه‌ی (۲)، (برش، سرش) / در گزینه‌ی (۳)، (گیر، ببر) آرایه جناس ناقص اختلافی دارد.

۷۷- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. "دیده‌ی خرد" اضافه‌ی استعاری است پس صفت استعاره ایجاد می‌کند.

۷۸- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است.

در گزینه ۱ کلمات نگیرد و نمبرد  
در گزینه ۲ کلمات مید و ذر  
در گزینه ۳ کلمات فر و آرد و نکود دارد

۷۹- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. سه ترکیب گل از خار در آوردن، خار از پا در آوردن و پا از گل در آوردن هر سه کنایه از آسودگی و راحتی و رفع مشکل است.

۸۰- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. یاد و شاد جنس ایجاد کرده‌اند.

۸۱- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. گل رخ و سرو سمن چهار استعاره از یار است.

۸۲- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. برای خمیده شدن پشت پیران علتی غیر واقعی اما ادیبانه آمده است که حُسن تعلیل محسوب می‌شود.

۸۳- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اشاره به داستان منصور حلاج است: تلمیح/ چندمرده حلاج بودن: کنایه است از میزان توانایی. «حلاج» در معنی کنایی است اما در معنی دیگر با منصور تناسب دارد که صنعت ایهام تناسب دارد.

۸۴- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی «۱» در گدایی گنج سلطانی داشتن - در گزینه‌ی «۳» کساد را رونق بازار دانستن - در گزینه‌ی «۴» پریشانی مجموع تناقض است.

۸۵- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در سه گزینه دیگر مصراع‌های دوم مصداقی برای مصراع اول محسوب می‌شوند.

۸۶- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. زرد و زر ← جنس/ مس و زر به ترتیب استعاره از وجود پست و عالی/ زر و زرد شدن کنایه از به مرحله‌ای والا رسیدن/ اکسیرعشق ← تشبیه

۸۷- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه‌های دیگر، به «صبح»، «باد صبا» و «هوا» شخصیت انسانی بخشیده شده است.

۸۸- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. چون شمع ← تشبیه/ شمع و موم ← مراعات‌نظیر/ موم و سنگ خارا ← تضاد

۸۹- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در مصراع دوم، علت شکستن ساز بیان شده است، پس این بیت دارای آرایه‌ی «حسن تعلیل» است.

۹۰- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «صدای» سایش بال‌هایش تنها سخنی است که سکوت ابدی کویر را نشان می‌دهد.

۹۱- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «چاشنی گرفتن» کنایه است. از «خنده‌های شور، چاشنی گرفتن» حس آمیزی است، زیرا **شنوایی و چشایی** به هم آمیخته شده است و مراعات نظیر نیز به روشنی دیده می‌شود.

۹۲- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «سپیل اشک»، تشبیه است. «ره خواب زدن» کنایه است و ازگان «آب» و «سپیل» مراعات نظیر دارند.

۹۳- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «کشتی عشق»، تشبیه است، «لنگر گرفتن»، کنایه است و «کشتی» و «لنگر» و «کنار» هم تناسب معنایی دارند.

۹۴- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «پری» در مصراع نخست، فعل مضارع است و از مصدر «پریدن»، ولی در مصراع دوم اسم است و به معنی «موجود افسانه‌ای»

۹۵- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. باران ← استعاره از اشک / سپهر دیده و دود آه ← تشبیه / سپهر و ابر و باران ← تناسب

۹۶- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. «شیرین بودن گفتار» حس آمیزی دارد. این که «گفتار هم شیرین باشد (شهد) و هم نمکین» تناقض دارد.

۹۷- گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. ترکیب «سیلاب غم» تشبیه است. (غم = مشبه / سیلاب = مشبه‌به)

واژه‌ی «دوش» در مصراع اول به معنای «دیشب» است و در مصراع دوم واژه‌ی «دوش» به معنی «کف و شانه» می‌باشد. پس جنس تام ایجاد می‌کند.

۹۸- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی «۳» «باد» در مصراع اول و دوم هر دو به معنی «حرکت هوا» است.

در گزینه‌ی «۱» «داد» اول به معنی «حق» و دومی «فعل» است.

در گزینه‌ی «۲» در مصراع دوم «باری» قید است به معنی «به هر حال» ولی «باری» دوم از اسم + ی نکره ساخته شده است. در گزینه‌ی «۴» «داد» مصراع اول به معنی «حق» و دومی «فعل» است.

۹۹- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی «۱» برای «نشستن» صفت «تلخ» حس آمیزی ایجاد کرده است.

در گزینه‌ی «۳» برای «سخن گفتن» صفت «نرمی» و «سخن دیدن» حس آمیزی پدید آورده است.

در گزینه‌ی «۴» «تلخ شنیدن» حس آمیزی دارد.

۱۰۰- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی «۳» مصراع دوم ادامه‌ی مصراع اول است. در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» مصراع دوم تمثیلی برای مصراع اول است و بین دومصراع بر پایه‌ی رابطه‌ی تشبیه وجود دارد.



- ۱۰۱- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. تشبیه: یک صبا - تناسب: بلقیس با صبا، یک با روان کردن - جنس: صبا و سبا - تلمیح: داستان سلیمان و بلقیس در قرآن کریم - تشخیص: آه و صبا به دلیل روان کردن.
- ۱۰۲- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. حس آمیزی: حلاوت و تلخ در مورد سخن - متناقض‌نما: حلاوت داشتن سخن تلخ - اسلوب معادله: شباهت مفهوم هر دو مصراع که مصراع دوم تأییدی است بر مصراع نخست - مراعات نظیر: ماهیان و آب دریا.
- ۱۰۳- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. کنایه: دل ندادن (بی توجهی) به داغ دل باغ - استعاره و تشخیص: باغ چون دل به آن نسبت داده شده است.
- ۱۰۴- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است در گزینه‌ی ۱ عار بودن فخر، در گزینه‌ی ۲، خمار بودن عیش و در گزینه‌ی ۴ زهر داشتن شکر
- ۱۰۵- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۲: رنگینی گفتار، در گزینه‌ی ۳ شیرینی سخن و در گزینه‌ی ۴ ندیدن بو.
- ۱۰۶- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. در سه بیت دیگر، مفهوم مصراع دوم، تأییدی است بر مطلب مصراع نخستین و همان حرف است به صورتی دیگر.
- ۱۰۷- گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است.
- ۱۰۸- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. تلمیح: جمشید- تشبیه: خاتم لعل و همچو جم - کنایه: به زیر نگین کشیدن آفاق.
- ۱۰۹- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. در بیت «ج»، «جمع و پریشان بودن» و در بیت «ه»، «عین درمان بودن درد» در بیت «الف» نیز چون شاعر می‌گوید: در برابر تو بنده‌ام و در برابر دیگران شاه و سرور، بنابراین بنده و سرور بودن یک شخص، نوعی تناقض است.
- ۱۱۰- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. تشخیص: هواداری کردن غنچه و .../ کنایه: پیراهن دریدن و از خود برون شدن/ استعاره: پیراهن استعاره از پوشش غنچه.
- ۱۱۱- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. تشبیه: چون ناهه/ جناس: خون و چون/ کنایه: خون در دل افتادن/ مراعات نظیر: ناهه و مشکین، خون و دل و جگر
- ۱۱۲- گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. تشخیص و استعاره ← گل (به دلیل جامه دریدن و آمدن). ایهام، به خاطر واژه‌ی «بو» که در هر دو معنای زیر پذیرفته است: ۱- شمیم، بوی ۲- آرزو. کنایه، به خاطر «جامه دریدن گل» و «جامه دریدن ما».
- ۱۱۳- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. ایهام تناسب ← شیرین/ تلمیح ← فرهاد و شیرین/ تضاد ← نه است و است (البته متأسفانه جواب سازمان سنجش گزینه‌ی ۴ بوده است).
- ۱۱۴- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. «آتش سرد» نمی‌تواند وجود داشته باشد و پارادوکس است.
- ۱۱۵- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. تشبیه: مزرع سبز فلک و داس و مه - استعاره: کشته (= اعمال) - تلمیح: اشاره است به حدیث «الذُّبَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ» - مراعات نظیر: مزرع سبز، داس، درو، کشته

- ۱۱۶- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. در سایر ابیات، مصراع دوم، با بیانی دیگر تأییدی است بر مفهوم مصراع اول
- ۱۱۷- گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. تشبیه: عرضگه عشق و رزمگه زلف - کنایه: سپر انداختن - استعاره: فتنه و گردون - مراعات نظیر: سپه، با رزمگه و سپر.
- ۱۱۸- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. [تشبیه - بلیغ اضافی]: باران اشک - استعاره [مصرح یا آشکار]: ابر (استعاره از دل) و آتش (استعاره از اندوه) کنایه: باران اشک روان داشتن و سوختن: هر دو نشانه‌ی اندوه‌اند و بنابراین پوشاننده و کنایه‌اند از اندوه. گو این که این تصویرهای کنایی با اغراق همراهند.
- ۱۱۹- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. این که «صبا» مورد خطاب واقع شده است، استعاره‌ی مکنیه از نوع تشخیص است، یعنی گوینده در ذهن خود صبا را همانند انسان دانسته است و پس، ویژگی مشبیه (انسان): ای و خود مشبیه: صبا را بر زبان روان ساخته است. از دیگر سوی، «رمیلن» و «رام‌گردیدن» کنایه‌اند از «نافرمانی» و «سرسپردگی».
- ۱۲۰- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. در این گزینه «زاد» و «زاد» معنای یکسان دارند و بر این اساس تکرار گردیده‌اند.
- ۱۲۱- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. کنایه: بر در خانه بودن، جناس: مه و هن، بر و در، تکرار: من، استعاره: مه و مشتری هر دو استعاره‌اند از معشوق.
- ۱۲۲- گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه‌های دیگر، لعل (گزینه‌ی ۱)، دُر (گزینه‌ی ۲)، لعل، قند و دُر (گزینه‌ی ۳) و گهر، حقه‌ی لعل، شکر، مروارید (در گزینه‌ی ۴).
- ۱۲۳- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. کنایه‌ی همراه با اغراق: اشک گلگون از سرگشتن، مجاز: گل، تشبیه [بلیغ اضافی]: بُستان عشق.